[قطبی، محمد](http://www.noormags.com/view/fa/creator/192028)

**راهکارها و مدل های توسعه ی معنویت اسلامی**

[اخلاق](http://www.noormags.com/view/fa/magazine/421) ، [بهار 1388 - شماره 15](http://www.noormags.com/view/fa/magazine/number/41274)

**چکیده**

جریان های معنویت گرای بسیار متنوعی در جهان پدید آمده و به حریم فرهنگی ما وارد می شود. این درحالی است که میراث عرفانی ما چنان غنی و سرمایه ی معنوی اسلام چنان سرشار است که توانایی رقم زدن یک انقلاب بزرگ اجتماعی را دارد. با این وجود، آسیب ها و کاستی هایی در شیوه ی کار ماهست که مانع  شده این محتوای عالی و غنی به مرحله ی استفاده برسد.

آسیب هایی که ما را از وضع مطلوب توسعه ی معنویت اسلامی دورکرده، به دو دسته ی علمی و اجرایی تقسیم می شود. برای برطرف کردن این اشکالات راهکارهایی وجود دارد. این راهکارها در قالب مدل های اجرایی روشن و گسترده ای می تواند قابل اجرا باشد. در این مقاله تلاش شده این راهکارها بررسی و پیشنهاد شوند.

**واژه های کلیدی**

معنویت های نوظهور، سلطه گری، معنویت اسلامی، آسیب ها، علوم معنوی اسلامی، راهکارها، مدل ها.

**مقدّمه**

انسان نمی تواند بدون معنویت دوام آورد. تمدّن منهای معنویت برای بشر همانند خشکی برای ماهی است که زندگی در آن محال است. انسان معاصر، با گذشت چند قرن معنویت ستیزی، امروز، تشنه وآشفته، همچون قحطی زدگان به سنّت های معنوی و ابعاد عرفانی ادیان پناه آورده و هرکس بخشی از آن را برگرفته وگروهی را گرد خویش آورده است.

انقلاب اسلامی ایران در این روزگار با طرحی تازه برای زندگی و تمدّن بشری پا به عرصه ی وجود گذاشت و آمد تا انسان را به راه راست معنویت و حیات طیبّه رهنمون شود. در این راه توفیق یافت که با نیروی برتر معنوی بر نیروهای سلطه گر حیات دنیا و تمدّن مادّی غلبه کند و امکانات و موقعیت شایسته ای را در جهان به دست آورد. امروزه، چشم ها و گوش های فراوانی به سوی آن گشوده شده اند تا پیام آن را دریافت کنند. در این شرایط مهیا،گویی شیوه ای مناسب و زبانی شیوا برای ارایه ی معنویت اسلامی به کار گرفته نشده است. ما در انقلاب اسلامی به سرعت توانستیم به ابزارها، امکانات و موقعیّت مناسب دست یابیم، امّا در ارایه ی الگوی زندگی معنوی و ابلاغ پیام معنوی اسلام به کندی و تأخیر دچار شده ایم.

در این تحقیق می کوشیم تا راهکارها و مدل های روزآمد را جهت  ارایه ی عرفان و معنویت اسلامی معرّفی نماییم؛ تا شاید همان طورکه عده ای سرمایه ها و امکانات خود را به کارگرفته اند تا معنویتی دروغین را به بازار فرهنگ جهانی بیاورند، کسانی هم پیدا شوند که امکانات لازم برای عرصه ی معنویت ناب و راستین اسلامی را فراهم کنند. بی تردید، خیر و راستی حقیقی عرفان اسلامی بر انبوه اوهام و دروغ ها غالب خواهد شد.

 روش اصلی تحقیق این است که به جای بیان محض وضع مطلوب و مدل آرمانی معنویت اسلامی، نخست، کاستی ها و آسیب های معنویت اسلامی را که مانع توسعه ی شایسته ی آن شده، بازشناسیم، سپس شرایط و نیازهای موجود را مطالعه نموده و سرانجام راهکارهای توسعه ی معنویت و رسیدن به وضعیت مطلوب معنوی و حیات طیبّه پیشنهاد کنیم.

**تصویر زمانه**

ما در دورانی به سر می بریم که بشر لذّت های گوناگونی را که در خیالش تصوّر می نماید و تمتعات رنگارنگی که به وهمش خطور می کند، آزموده است. این همه، نه تنها رضایت و آرامش خاطری برای او به دنبال نداشته، بلکه رنج و ناکامی و بی معنایی ناشی از آن روح او، را آزرده و رنجور ساخته است. برای انسان امروز، جهان مادّی و زندگی این جهانی، با همه ی فریبندگی، گستردگی، زیبایی و دلربایی اش، چنگی به دل نمی زند. او خود را در این سبک زندگی گرفتار و اسیر می بیند و در جستجوی معنایی برای هستی و حیات خویش، به معنویت (spirituality) روی آورده است.

در این شرایط، معنویت، هر آن چیزی است که برای اعراض از زندگی مادّی و تمدّن غالب و ارزش ها و هنجارهای سرمایه داری فرصتی فراهم سازد. در مقابل، مادّیت برای انسان معاصر، همین مدل یکنواخت زندگی غربی و ارزش ها و اهداف زندگی روزمره است. به هر نحوکه بتوان از این چهارچوب بیرون زد و نفسی کشید، صورتی از معنویت ایجاد شده است. معنویت در فرهنگ امروز انسان مدرن یا پست مدرن هر گونه فراروی، روگردانی و نه گفتن به معیارها و هنجارهای زندگی مدرن است. و صد البته این می تواند برای سرمایه داران و سلطه گران خطرات زیادی در پی داشته باشد.

به تعبیر «ماکس وبر»، تمدّن سرمایه داری مدرن، بسان قفسی آهنین بشر را در برگرفته است. ظاهراً منظور وی آن است که انسان باید با این وضعیت کنار بیاید؛ زیرا از این زندگی که محصول عقلانیّت ابزاری است، گریزی ندارد. اکنون که یک قرن از آن گفته ی ماکس وبر می گذرد، بشر تاب و تحمل خویش را از دست داده و به مجالی دیگر و فضایی نو می اندیشد. از آن سو، تمدّن مادّی، هوشمندانه خود را بازسازی کرده و ریشه های خود را در روان مردمان و ساختارهای اجتماعی تحکیم نموده و به راحتی اجازه می دهد انسان ها  برای ارضای نیازهای معنوی خود به هر سو پر بکشند. در حقیقت، قفس زندگی مادّی توسعه یافته و فراتر از جسم و اعمال انسان، ژرفای جان او را به بند کشیده است. مغزهای متفکّر نظام سرمایه داری در پروژه ی مهندسی فرهنگی، گرایش های معنوی را نیز به جغرافیای سلطه گری خویش افزوده و معنویت ها و عرفان هایی را طراحی کرده اند که نه تنها با شالوده های استیلا تعارض نداشته باشد، بلکه به تحکیم و تداوم آن مدد رساند.

تمدّن جدید در قرن بیستم وضعیت بسیار ناپایداری را تجربه کرده است. از این رو، طراحان تمدّن و نیروهای سلطه گر آن تصمیم گرفتند که نقطه ی ضعف سلطه گری خود را که روی خرابه های معنویت و دین بنا شده بود، به نقطه ی قوّت خویش تبدیل کنند. به این منظور، به نتیجه رسیدند که برای ترمیم و تقویت استیلای خود از معنویت بهره برداری کنند؛ زیرا معنویت ویژگی های بسیار مناسبی دارد:[[1]](file:///C:\\Users\\5349\\Desktop\\%D8%AA%D8%A8%D9%84%DB%8C%D8%BA\\%D8%A7%D8%AE%D9%84%D8%A7%D9%82\\Akhlagh_13_2122_26918.htm" \l "_ftn1)

نخست این که، ابزار جذّابی است که گویی اقبال عمومی هم با آن موافق است.

دوم این که، شامل موضوعاتی است که تمام ابنای بشر در طول تاریخ و عرض جغرافیا به آن دلبستگی داشته و دارند و می تواند زمینه ساز مقبولیت سلطه ای فرا فرهنگی و جهانی باشد.

ویژگی سوم این که، در قیاس با گذشته ی معنویت ستیز تمدّن غرب، تحوّل و تنوّع رضایت بخشی را برای اهالی تمدّن غرب ایجاد می کند. از همین رو، به فکر طراحی جریان ها و فرقه های معنویت گرایی افتادند که در گستره ای وسیع و تنوّعی جذّاب، مردم را برای مدّت زیادی سرگرم سازد.

پایه های اساسی تحکیم و تداوم سلطه گری این است که سلطه گران برنامه های مناسب و مؤثّری را برای سرگرم سازی سطله پذیری ترتیب دهند؛ به طوری که احساس کنند وضعیت سلطه، مطلوب، رضایت بخش و قابل تحمل است. اگر سلطه گران بتوانند احساس خوبی برای سلطه پذیران ایجاد کنند، در حقیقت، اقتدار خود را تثبیت و پایدار کرده اند.

با وجود همه ی فرصت هایی که معنویت برای نظام سلطه در برداشت، یک مسأله ی اساسی در بین بود که باید حل می شد؛ مسأله ی فاصله و شکاف بزرگ بین معنویت و تمدّن غرب. صد البته این مشکل نیز حل شدنی می نمود؛ زیرا بعد از ترویج هوس گرایی و آزادی های موهوم و حیوانی در تمدّن غرب، انسان در حدّ تمایلات پست حیوانی خود تنزّل یافت. بر این اساس، می شد در پاسخ به نیازهای معنوی اش، معنویتی فرودست و تهی مایه را به او پیشنهادکرد؛ همان کاری که طراحان سلطه گری انجام دادند.

وقتی که روح محجوب شود و گرایش های متعالی آن نه غبارآلود، بلکه زیر خروارها خاک مدفون گردد، دیگر هراسی نیست که مبادا معنویت گرایی تهی مایه و فروکاسته ی جامعه ی مدرن به بازگشت انسان به انسانیّت و عزّت و آزادگی او بینجامد و به تزلزل شالوده های              سلطه گری و تباهی تمدّن مادّی فرجام پذیرد. برای مرده دلان، معنویت از تسکین نسبی آشوب های روانی و یافتن زاویه ی دیدی موهوم نسبت به همین زندگی وهم اندود و هوس آلود فراتر نمی رود.

قلب های در حال احتضار، روشنی را چندان احساس نمی کنند، واقعیّت را به درستی تشخیص نمی دهند و با حقیقت به خوبی گرم نمی شوند. آنها ضعف ها و نیازهای فرومایه ای را در خویش می شناسند و به دنبال راهکاری اند که این ضعف ها و نیازها را پاسخ دهد. و وجه  فروکاسته ی معنویت نیز با کارکردهایش در کاهش اضطراب ها، درمان افسردگی ها و رفع هزاران آسیب روانی و اجتماعی زندگی امروزین کاراست و به همین مورد دلیل قرار گرفته است.

انسان در آغاز قرن بیست و یکم هنوز به حقیقت باز نگشته است. او، کتاب حقیقت را به کلّی بسته و کام جویی را راه نجات خویش می داند. البته پیش از این نیز در صدد کام جویی بود، امّا حقیقت را در آیینه ی تار کام جویی خویش می جست و اعتقاد راسخ و متعصّبانه ای به اهداف و آرمان های دنیوی داشت و به نوعی، سکولاریزم، دین او بود. ولی اکنون تصوّر می کند که حقیقت تابع کام جویی است و سوگمندانه این میل به شدّت قوّت گرفته است که حق را در کامروایی خویش بجوید. اوگمان می کند خطایی که تاکنون زندگی را به تباهی و سیاهی کشیده، حق جویی بوده است.

وی معتقد است حق باوری و اعتقاد راسخ به حقیقت ثابت عامل تعصّب ستیز، نزاع، آشوب و رنج است. و اگر همه در پی کام جویی باشند، بدون این که نگرانی حق و حقیقت را در دل بپرورند، به راستی کامیاب خواهند شد. حق جویی، اضطراب، تنفر، جنگ، خشونت، رنج و هزاران مشکل ایجاد می کند، در حالی که با کام جویی، صلح و صفا و عیش و عشرت و خوشی و بهشت پدید می آید.

معنویت، همین خوشی و آرامشی است که تاکنون بشر به خطا آن را در دین داری، اعتقادات مذهبی  یا دارایی و برخورداری های مادّی می جست، در حالی که سرمایه ی عظیم خوشی در درون انسان است و او به سادگی می تواند با کنار گذاشتن همه ی دغدغه ها، افکار، تعصّبات و اعتقادات به آن برسد.کامیابی با حق و حقیقت به دست نمی آید، بلکه برعکس، این حق و حقیقت است که با کامیابی به دست می آید.

بنابراین،  اهمیّتی ندارد که یک مکتب معنویت گرا و یا دین چه می گوید، مهم این است که بتواند آنچه را که بشر می خواهد و بدان نیازمند و محتاج است ایجاد نماید.[[2]](file:///C:\\Users\\5349\\Desktop\\%D8%AA%D8%A8%D9%84%DB%8C%D8%BA\\%D8%A7%D8%AE%D9%84%D8%A7%D9%82\\Akhlagh_13_2122_26918.htm" \l "_ftn2)در غیر این صورت، باید کنار گذاشته شود. با این معیار ممکن است دو مرام معنوی کاملاً متضاد، هر دو کارآمد و در نتیجه مقبول باشند؛ زیرا هر دو، کارکردها و نتایج مورد نیاز و مورد نظر انسان را دارا هستند.

با این ملاک مقبول امّا ناتمام، امروزه در جهان هزاران هزار مکتب معنوی شکل گرفته و روز به روز هم د رحال افزایش است. مکاتبی پدید می آیند و از بین می روند و این هیچ اهمیّتی ندارد. بسیاری از گروندگان به این فرقه ها مرام و مکتب خود را تغیر می دهند و از گروهی گسیخته و به جمعی دیگر می پیوندند و این نیز هیچ اهمیّتی ندارد؛ زیرا مهم این است که تو اکنون با کدام تعالیم و روش ها می توانی شادتر و آرام تر باشی و احساس بهتری را تجربه کنی.

البته این رویکرد غیر واقع گرای، به طور جزیی، همه ی جریان های معنویت گرایی را در برنمی گیرد، امّا مبنا و بنیاد همین است. در این چارچوب، حتّی نحله های واقع گرا و معناجو نیز تلقّی به قبول می شوند. البته مبنای پذیرش آنها این است که اگر باور به اموری، نظیر جهانی دیگر و خداوند، برای گروهی آرامش و شادی به ارمغان می آورد، می توانند با آن ایده ها زندگی کنند.[[3]](file:///C:\\Users\\5349\\Desktop\\%D8%AA%D8%A8%D9%84%DB%8C%D8%BA\\%D8%A7%D8%AE%D9%84%D8%A7%D9%82\\Akhlagh_13_2122_26918.htm" \l "_ftn3)

در واقع، معنویت های نوظهور در حدّ یک دارو برای انسان بیمار معاصر تنزّل یافته اند، نه این که برای انسان سالمی که طالب شکوفایی و اوج است بال پرواز و تعالی باشند.[[4]](file:///C:\\Users\\5349\\Desktop\\%D8%AA%D8%A8%D9%84%DB%8C%D8%BA\\%D8%A7%D8%AE%D9%84%D8%A7%D9%82\\Akhlagh_13_2122_26918.htm" \l "_ftn4)

امروز، درعصر انفجار معنویت زندگی می کنیم، ولی بر مبنای غیر واقع گرایی. معنویت به تمدّن مدرن هجوم آورده است. این تهاجم تا حدودی مدیریت شده و در راستای اهداف و ارزش های نیروی سلطه گر تمدّن مدرن قرار گرفته و از جوهره ی اصیل خود که سرشار از معرفت و شعور متعالی است خالی شده است؛ اگر چه کلماتی نظیر شعور، آگاهی و بینش همواره در آنها تکرار می شود.

حقیقت این است که تمام کارکردهای به ظاهر مطلوب این معنویت در تأمین شادی و آرامش در راستای کارکرد نهایی تثبیت نظام سلطه گری موجود در جهان و منصرف کردن بشر از ضعف ها و زجرهای تمدّن تهی غرب است. این معنویت با پیش رو گذاشتن پاسخی پوچ به نیاز بنیادین حیات بشر، تنها، هدفی محافظه کارانه در راستای حفظ وضع موجود را دنبال می کند. معنویت های امروزی، نوعی سرگرمی برای سلطه پذیران است تا نسبت به شرایط سرشار از ستم و تباهی و فساد احساس بهتری پیدا کنند واین اوضاع غیر انسانی و غیر الهی  برایشان تحمل پذیرتر شود.[[5]](file:///C:\\Users\\5349\\Desktop\\%D8%AA%D8%A8%D9%84%DB%8C%D8%BA\\%D8%A7%D8%AE%D9%84%D8%A7%D9%82\\Akhlagh_13_2122_26918.htm" \l "_ftn5)

**موقعیت و اهمیّت انقلاب اسلامی**

معنویت طلبی-که به هیچ ترتیب نمی توان آن را از وجود و زندگی انسان حذف کرد- از آن روست که انسان برای معرفت و عبودیّت خداوند آفریده شده و ظرفیتّی نامتناهی برای این هدف دارد. اعراض از یادخدا ممکن است این کشش جوهری به حقیقت نامتناهی کمال را به فراموشی سپارد، امّا هیچ گاه این شراری قدسی و آذر آسمانی خاموش نخواهد شد.[[6]](file:///C:\\Users\\5349\\Desktop\\%D8%AA%D8%A8%D9%84%DB%8C%D8%BA\\%D8%A7%D8%AE%D9%84%D8%A7%D9%82\\Akhlagh_13_2122_26918.htm" \l "_ftn6)

ظرفیت نامتناهی انسان، در صورتی که در راستای معرفت و عبودیّت جریان یابد و شکوفا شود به دستیابی انسان به مبنای ایمان و عمل صالح می انجامد[[7]](file:///C:\\Users\\5349\\Desktop\\%D8%AA%D8%A8%D9%84%DB%8C%D8%BA\\%D8%A7%D8%AE%D9%84%D8%A7%D9%82\\Akhlagh_13_2122_26918.htm" \l "_ftn7). از آن سو، اگر این استعداد متعالی و نامحدود انسانی به سطوح پست زندگی و هستی معطوف گردد، حیات دنیا شکل می گیرد.

شالوده ی حیات دنیا بر فساد و ستم استوار است؛ زیرا میل به نامتناهی، هنگامی که به امور محدود این جهانی منصرف شود، حدّ شکنی و ستم و تجاوز و تعدّی را رقم می زند. به این سبب، حیات دنیا در قالب دو طبقه ی سلطه گر و سلطه پذیر تحقق می یابد. در این ساختار، سلطه گران می کوشند با چهار شیوه مردمان را در وضعیت سلطه پذیری نگاه دارند. سرگرمی به شهوات، ایجاد ترس و تهدید، دانشی برای توجیه اقتدار سلطه گران و خرافاتی در لباس دین و معنویات. در طول تاریخ حیات دنیایی بشر، همواره این امور از سوی مستکبران و سلطه گران در ارتباطشان با مستضعفان و سلطه پذیران به کار گرفته شده است.[[8]](file:///C:\\Users\\5349\\Desktop\\%D8%AA%D8%A8%D9%84%DB%8C%D8%BA\\%D8%A7%D8%AE%D9%84%D8%A7%D9%82\\Akhlagh_13_2122_26918.htm" \l "_ftn8)

ماهیّت و حقیقت انقلاب اسلامی،گذر از حیات دنیا به حیات طیّبه است. برای این تحوّل باید در متن حیات دنیا طبقه ی سومی شکل بگیرد که نه سلطه گر باشد و نه سلطه پذیر. خط سومی که در این میان کشیده شده و نظام حیات دنیا را متزلزل می کند، خط مجاهدان است. برای عبور موفق از حیات دنیا لازم است که مجاهدان ترس ها را با شهامت جایگزین کنند، شهوات را سامان داده و مهار سازند، دانشی بر مبنای ایمان، عمل صالح و در راستای عبودیّت و بندگی تولید نمایند، و از همه مهم تر، معنویت و عرفانی با شاخص های عزّت مندی و آزادگی، افزون برآرامش بخشی و شادی آفرینی، ارایه دهند.

نجات معنویت از دام سلطه گران، در چهارچوب مبانی، اهداف و ارزش های انقلاب اسلامی میسّر و ضروری است. سنّت های معنوی دیگر، نظیر عرفان مسیحی، بودیسم، هندوییسم و غیره، تنها به تحکیم شالوده های سلطه و تداوم ستم در سطح کلان حیات جهانی  کمک می کنند.[[9]](file:///C:\\Users\\5349\\Desktop\\%D8%AA%D8%A8%D9%84%DB%8C%D8%BA\\%D8%A7%D8%AE%D9%84%D8%A7%D9%82\\Akhlagh_13_2122_26918.htm" \l "_ftn9)

در آیین و اندیشه ی امام خمینی(ره)، عرفانی معرّفی شده که جامع شاخص های بالا بوده، و در نهایت پویایی، جذّابیت، تحوّل آفرینی و تمدّن سازی قراردارد. این دقیقاً همان چیزی است که انسان روزگار ما تشنه ی آن است. براین اساس، لازم است که در جامعه ی اسلامی ایران نمونه ای از این عرفان کارآمد ارایه شود تا به تدریج جان های مردمان به سوی این جاری زلال متوجّه گردد و بتوانند از گوارای آن سیراب شده و سراب ها را باز شناسند.

**ویژگی های معنویت اسلامی**

 معنویت و عرفان اسلامی خدا محور است؛ به این معنا که هدف عالی آن، نه دست یابی به نیروهای خارق العاده و نه صرفاً وضعیت های روانی مطلوب است، بلکه حقیقتی متعالی و فراتر از تمام نمودهای هستی را  می جوید و به همه ی هستی معنا می بخشد. باور به وجود حقیقتی که دارای تمام خیرها وکمالات  نامحدود و سرچشمه ی بی پایان رحمت و زیبایی و بی نیازی است، به هستی و حیات شکوه و معنایی دیگر می دهد. عرفان هایی که خدا محور نیستند، از این گنج بی پایان محروم اند. با عرفان بودایی یا سرخ پوستی انسان این تعالی را احساس نمی کند. در عرفان های سرخ پوستی نهایت شکوفایی انسان این است که بتواند از نیروی فراگیر طبیعت بهره مند شود و از آن برای شکوفایی خود و بهبود زندگی بهره ببرد.[[10]](file:///C:\\Users\\5349\\Desktop\\%D8%AA%D8%A8%D9%84%DB%8C%D8%BA\\%D8%A7%D8%AE%D9%84%D8%A7%D9%82\\Akhlagh_13_2122_26918.htm" \l "_ftn10)تائوئیسم نیز شبیه همین رویکرد را دارد.[[11]](file:///C:\\Users\\5349\\Desktop\\%D8%AA%D8%A8%D9%84%DB%8C%D8%BA\\%D8%A7%D8%AE%D9%84%D8%A7%D9%82\\Akhlagh_13_2122_26918.htm" \l "_ftn11)

عرفان بودیستی و ده ها برداشت و بازپردازی از آن، که امروزه در جهان از سوی کسانی چون ماهاریشی ماهش، دالای لاما، اشو و دیگران ارایه می شود، در یک دوئالیسم ذهن- بی ذهنی خلاصه می شود و به حریم سرشار از عشق و روشنایی رابطه ی با خداوند نزدیک نمی شوند.[[12]](file:///C:\\Users\\5349\\Desktop\\%D8%AA%D8%A8%D9%84%DB%8C%D8%BA\\%D8%A7%D8%AE%D9%84%D8%A7%D9%82\\Akhlagh_13_2122_26918.htm" \l "_ftn12)

دومین ویژگی عرفان اسلامی، انسان باوری است. عرفان اسلامی، انسان را شایسته و سزاوار رسیدن به قرب الهی دانسته، او را بی واسطه در رابطه با خداوند دارای استعداد خلافت الهی و تجلّی اسما و صفات الهی می داند. به همین جهت، راه به سوی خدا بسیار نزدیک[[13]](file:///C:\\Users\\5349\\Desktop\\%D8%AA%D8%A8%D9%84%DB%8C%D8%BA\\%D8%A7%D8%AE%D9%84%D8%A7%D9%82\\Akhlagh_13_2122_26918.htm" \l "_ftn13) و پیمودن آن برای کسی که اراده ی سیر الی الله دارد بسیار سهل است؛ شریعتی سهل که برای همه ی افراد جامعه در هر موقعیت راهی روشن و گشوده به سوی محبوب است و چوپان و حمال و خیاط و نظامی و عالم و پیر و جوان و زن و مرد برای استفاده از آن تنها به یک تصمیم نیازمندند، بدون این که از روند عادی و سالم زندگی دور شوند، به جنگل ها یا کوه ها پناهنده شوند، یا در دیرها عزلت گزینند. عرفان های هندویی و مسیحی از این جهت با مشکلات بزرگی مواجهند و راه سیر و سلوک را دشوار پیما و فقط برای گروهی خاصّ امکانپذیر می سازند.

مشکل دیگر در عرفان مسیحی، انسان انگاری حضرت عیسی7 و اعتقاد به تثلیث در عین توحید است که درک وحدت و تعلّق و نیستی در برابر هستی مطلق الهی را با مشکل لاینحلی روبه رو ساخته است. در این عرفان، بین انواع پیوند و یگانگی با خداوند فرق گذاشته شده و سطوحی از آن مخصوص مسیح دانسته شده و برای سایر انسان ها محال شمرده می شود.[[14]](file:///C:\\Users\\5349\\Desktop\\%D8%AA%D8%A8%D9%84%DB%8C%D8%BA\\%D8%A7%D8%AE%D9%84%D8%A7%D9%82\\Akhlagh_13_2122_26918.htm" \l "_ftn14)

عرفان یهودی نیز اساساً ستیزی بنیادین میان انسان و خدا می بیند و راه رسیدن به او را در ستیز و گاهی سرکشی در برابر او می داند. در این مکتب، انسان، برای رسیدن به خدا ناگزیر از نافرمانی او و رویارویی با خشم و قهر اوست. مطابق عرفان یهودی، انسان در مصداق برترش نالایق برای بندگی، ناسپاس و عصیان گر و مستحق قهر و غضب است.[[15]](file:///C:\\Users\\5349\\Desktop\\%D8%AA%D8%A8%D9%84%DB%8C%D8%BA\\%D8%A7%D8%AE%D9%84%D8%A7%D9%82\\Akhlagh_13_2122_26918.htm" \l "_ftn15)

ابعاد سیاسی قوی که عرفان اسلامی ارایه می دهد و در آیین و سیره ی امام خمینی به روشنی ابراز شده و به شکل گیری انقلاب اسلامی انجامید، به همین انسان باوری در پرتو خدامحوری باز می گردد. نگاه معنوی و عرفانی به انسان از منظر اسلام، او را در جایگاهی قرار می دهد که هیچ تباهی و ستمی در حق او قابل اغماض و پذیرش نیست[[16]](file:///C:\\Users\\5349\\Desktop\\%D8%AA%D8%A8%D9%84%DB%8C%D8%BA\\%D8%A7%D8%AE%D9%84%D8%A7%D9%82\\Akhlagh_13_2122_26918.htm" \l "_ftn16).

عرفان اسلام، به طور خلاصه و خاصّ، عرفانی خدامحور و انسان باور است و با این دو ویژگی سایر مکاتب عرفانی و سنّت های معنوی برتری پیدا می کند[[17]](file:///C:\\Users\\5349\\Desktop\\%D8%AA%D8%A8%D9%84%DB%8C%D8%BA\\%D8%A7%D8%AE%D9%84%D8%A7%D9%82\\Akhlagh_13_2122_26918.htm" \l "_ftn17). امّا این برتری محتوایی، به دلیل عدم ارایه ی صحیح، کمتر از ظرفیتی که شایسته و سزاوار بوده، گسترش یافته و استفاده شده است. این، باری بر زمین مانده است که انجام آن همّت محقّقان و اندیشمندان اسلام شناس را از یک سو و نهادها و سازمان های فرهنگی روییده در متن انقلاب بزرگ اسلامی را از سوی دیگر می طلبد. در حقیقت، دو نوع موانع وجود دارد: نخست، موانع علمی و تربیتی است که باید با کوشش دانشمندان و پژوهشگران بر طرف شود، و دیگر، مشکلات و کاستی های اجرایی و عملی که باید با عزم و تلاش مدیران و مسؤولان دلسوز و متولّیان فرهنگی حل و فصل شود.

**موانع علمی و تربیتی**

یکی از موانع علمی، تقلیل گرایی در پیامد شناسی زندگی معنوی از منظر اسلام است. در کتب و منابعی که در راستای معرّفی و تبیین عرفان و اخلاق اسلامی نوشته شده، معمولاً ابعاد دنیوی و این جهانی معنویت مغفول مانده و توجه ناچیزی به آن شده است[[18]](file:///C:\\Users\\5349\\Desktop\\%D8%AA%D8%A8%D9%84%DB%8C%D8%BA\\%D8%A7%D8%AE%D9%84%D8%A7%D9%82\\Akhlagh_13_2122_26918.htm" \l "_ftn18). صد البته که پیامدها و نتایج اخروی معنویات، بسیار برتر و ارجمندتر است، امّا نمی توان از سهم دنیوی که در سبد پیامدهای معنویت قرار دارد چشم پوشید. در منابع دینی(آیات و روایات) نتایج و رهاوردهای این جهانی مطلوبی برای اخلاق و معنویت بیان شده که کمتر مورد عنایت قرارگرفته و همین آثار ملموس و مطلوب است که درگسترش معنویت اسلامی نقشی مؤثّر ایفا می کند.

البته لازم است که رهاوردهای این جهانی معنویت  و انگیزه هایی که در رابطه با آن برانگیخته می شود، به گونه ای مدیریت شود که مانع تعالی انسان نشود و اسباب توقف او را فراهم نسازد، بلکه به صورت مرحله ای و گذرا تعریف شود و به سوی توسعه ی نگرش انسان، درک ابعاد برتر عرفان اسلامی، حیات ابدی و عوالم دیگربسط یافته و ارتقا پیدا کند.

به هر روی، فقدان توصیف و تبیینی روشن و شیوا از جنبه های این جهانی که دامن بلند معنویت اسلامی را در این دنیا به دست می دهد، کسوف بزرگی بر نشر انوار این خورشید تابناک کشیده است. ندیدن جامعیّت سعادت وکامیابی، به طوری که در معنویت اسلامی تأمین می شود، زمینه ساز آسیب پذیری در برابر جریان های معنویت گرای درون تهی و بی مایه ای شده[[19]](file:///C:\\Users\\5349\\Desktop\\%D8%AA%D8%A8%D9%84%DB%8C%D8%BA\\%D8%A7%D8%AE%D9%84%D8%A7%D9%82\\Akhlagh_13_2122_26918.htm" \l "_ftn19) که تنها به مطلوب های اولیّه ی مردم پاسخ می دهند و گاهی صرفاً مدعی پاسخ گویی هستند.

بُعد دیگر تقلیل گرایی، فروکاستن دین به شریعت ظاهری و بسنده کردن به احکام است. البته این آسیب ریشه های عمیقی در نظام تعلیم و تربیت دین دارد که فقاهت و تفقّه در دین را به استنباط احکام شریعت اختصاص داده و ابعاد معنوی و اخلاقی و عرفانی دین را از دایره ی فهم دین، و در نتیجه، جریان تعلیم و تربیت دینی کنار گذاشته و در درجه ی چندم نشانده است. جای خالی فقه الاخلاق[[20]](file:///C:\\Users\\5349\\Desktop\\%D8%AA%D8%A8%D9%84%DB%8C%D8%BA\\%D8%A7%D8%AE%D9%84%D8%A7%D9%82\\Akhlagh_13_2122_26918.htm" \l "_ftn20) که ابعاد معنوی تر اسلام را ارایه می دهد، موجب تضعیف شریعت و ابعاد ظاهری آن می شود، در حالی که اخلاق و معنویت مغز و و معنای اعمال و آیین هاست و همان طور که بدون پوسته ی شریعت، مغز و معنا فاسد و تباه می شود، بدون آن مغز هم، این پوسته تهی و بی معنا شده و گیرایی خود را از دست  می دهد.

نقش روحانیّت و مرجعیت دینی، در جامعه به نادرست به بیان احکام و اعمالی خشک و بی روح فرو کاسته شده، و از همین رو، حتّی متشرعان به عرفان ها و معنویات غیردینی اقبال نشان می دهند؛ با این که هنوز از سرمایه ی موجود استفاده نکرده و اصلاً متوجه آن نشده اند.

مشکل تقلیل گرایی و معرفت شناختی در معارف دینی، سبب شده است که در نظام تعلیم و تربیت دینی، به اندازه ی شریعت شناس، معنویت شناس و مربی اخلاق و عرفان نداشته باشیم. بیشتر کسانی که در علوم دینی تحصیل می کنند، فقه رایج را می شناسند و حداکثر کمی هم اخلاق چشیده اند. نادرند افرادی که کتب عرفانی را گشوده و مطالعه و فهم کرده باشند.

مشکل علمی و تربیتی دیگر، کمال گرایی در آموزه های اخلاقی و عرفانی است.[[21]](file:///C:\\Users\\5349\\Desktop\\%D8%AA%D8%A8%D9%84%DB%8C%D8%BA\\%D8%A7%D8%AE%D9%84%D8%A7%D9%82\\Akhlagh_13_2122_26918.htm" \l "_ftn21) همواره اخلاق و عرفان در حدّ انسان کامل و تمامیّت آن دیده شده و به ندرت مراتب پایین و گام های اول تحلیل و تبییین می شود. بدون شک، داشتن چشم اندازی بلند و ملاحظه ی اوج، لازم و مفیداست، امّا اگر عرفان و اخلاق همواره در حدّ انسان کامل طرح شود و فاصله ی میان انسان عادی تا انسان کامل با برنامه ها و تصویرهای ذهنی مناسب پر نشود، این شکاف معرفتی، به جای انگیزه سازی وگیرایی، انگیزه سوز و زننده خواهد شد. عرفان و اخلاق اسلامی بسان باری سنگین پنداشته شده و سیر در این راه، دشوار و سهمگین توصیف می شود و گاه به محالاتی نظیر کوه با نیروی مژگان تشبیه می گردد.

کمال گرایی مانع از این است که افراد معمولی با آن ارتباط برقرار کنند. این قطع رابطه به خاطر این است که عرفان اسلامی به صورتی کاربردی و عملی برای مردم معرّفی نمی شود. مثلاً کسی که اکنون در حال تحصیل در دانشگاه است، با وضعیتی که در یک محیط دانشگاهی وجود دارد، یا کسی که در محیطی اداری یا بازار است، چگونه می تواند تصوّر یک سالک الی الله را از خود داشته باشد؟ در نتیجه، کمال گرایی و ارایه ی غیر کاربردی معنویت اسلامی، باعث می شود عرفان هایی که خود را سهل و در دسترس معرّفی می کنند، دل ها را به سوی خود جذب نمایند و جای حقیقت را با حضور دروغین خود اشغال کنند.

مشکل کمال گرایی، نه تنها در بین مردم کوچه و بازار احساس هویّت سالک الی الله بودن را دشوار و دور از نظر می نماید، بلکه در بین محصّلان علوم دینی نیز همین تأثیر را برجای می نهد و موجب می شود آنان به همین میزان که خود را متشّرع و متعبّد بدانندکفایت کنند، در حالی که علاوه بر شریعت که راه روشن و گشوده به سوی خداست، لازم است در مسیری تدریجی و گام به گام، ابعاد معنوی و عرفانی و لایه های عمیق تر باطنی اسلام نیز مورد توجّه دانشوران قرارگرفته و در عمل نیز آنان را به سلوک و پیمودن این راه ترغیب نماید. عرفان و معنویت اسلامی، در وضع موجود، قدرت هویت بخشی ندارد و این  نشانه ی فاصله یآن از عرفان ناب قرآنی است که هویت معنوی را با مفاهیم عهد،کدح، فطرت و رجعت در مدار لِلّاهی– الی اللّهی تبیین و معرّفی کرده است.

بنابراین، مشکلات علمی و تربیتی که بر سر راه توسعه و ترویج معنویت قرار دارد را می توان در جملات زیر خلاصه کرد:

1.  تقلیل گرایی در پیامدها و عدم توجّه به رهاوردهای این جهانی؛

2.  تقلیل گرایی معرفت شناختی در لایه های معارف دینی؛

3.  ناتوانی نظام تعلیم و تربیت دینی برای تربیت معلّمان اخلاق و مربیان معنوی؛

4.  کمال گرایی و غیرکاربردی بودن؛

5.   بُعد و دشواری شکل گیری هویّت معنوی؛

**موانع حکومتی و اجرایی**

وقتی مشکلات بالا در ابعاد علمی و تربیتی وجود داشته باشد، اولین مشکل اجرایی، بی محتوایی برنامه هاست. هنگامی که معلوم نیست که چه چیزی باید ارایه شود، ابهام در چگونگی نیز روی می دهد. فقدان ساز و کاری روشن برای ارایه ی معنویت دینی به گونه ای است که به نظر می رسد در سازمان های مربوطه کسی نمی داند که چه باید بکند. وقتی این وضعیت در کنار ضرورت اقدام و انجام کار قرار گیرد، کارهای بی محتوا، کلیشه ای و بد سلیقگی هایی پیش می آید که چه بسا آثار منفی آن بیش از آثار مثبتش باشد. شاید به همین جهت است که هوشمندان و شایستگان دستگاه های اجرایی نیز شهامت شان را کنار گذاشته و شبیه مدیران محافظه کار، از دست زدن به اقدامات جدید و بدیع پرهیز می کنند و با پیشنهادات کارشناسی شده نیز با احتیاط و تردید رو به رو می شوند.

بنابراین، یکی از بزرگ ترین مشکلات اجرایی که فراروی توسعه ی معنویت اسلامی و مواجهه ی مؤثّر با معنویت های نوظهور قرار دارد، ابهام در محتوا و روش کار است. این ابهام گاهی به عدم اقدام وگاهی به خراب کاری هایی منجر می شود که جبرانشان دشوار خواهد بود.

مشکل دیگر، قطع رابطه ی نخبگان متصل به قدرت از نخبگان منفصل از قدرت است. فاصله ای که بین دانشمندان و محقّقان از یک سو و مدیران از سوی دیگر وجود دارد، در این عرصه نیز اثر خود را نشان داده و به ویژه در باب هجوم معنویت های نوظهور به طور آزار دهنده ای خودنمایی می کند. هیچ کدام از سازمان هایی که در خط مقدّم این جبهه قراردارند یک کمیته ی تخصصی متشکل از محقّقان و اساتید این حوزه تشکیل نداده اند.

نهایت فعالیّت آنان، همکاری با یک فرد به عنوان مشاور است که در این موارد هم این کارشناسان بوده اند که از روی دلسوزی و احساس مسؤولیّت به بخش ها و سازمان های اجرایی مراجعه کرده اند و پس از داد و ستد طرح ها و طرح نامه ها برای همکاری پذیرفته شده اند.

خلأ رابطه ی منطقی و تعریف شده ی مدیران با پژوهشگران، با پدیده ای به نام مدیر- کارشناس پر شده است. مدیر -کارشناسان افرادی هستند که سابقه ی مطالعه و تحصیل و  در بهترین حالت پژوهش در حوزه های نزدیک یا مرتبط با عرفان های نوظهور را داشته اند. این افراد با استفاده از امکانات مربوطه، فرصتی مطالعاتی گرفته و درکنار مشغله های اجرایی خود به این موضوع پرداخته اند و وجودشان حجّت موجّهی برای منع کارشناسان ممحّض در طراحی محتوایی و برنامه ریزی های تخصصی است.

مشکل اجرایی دیگر، فقدان ستادی برای برنامه ریزی کلان و استراتژیک است که در ساختار حکومتی دارای جایگاه ویژه بوده و تمام سازمان های فرهنگی و مرتبط با موضوع، نسبت به تقسیم کار و تعیین و انجام تکلیف می بایست از آن تمکین کنند. صد البته بهتر بود اقداماتی که از سوی شورای عالی انقلاب فرهنگی صورت گرفته با همفکری یک کارگروه تخصصی صورت می گرفت.

فراتر از همه ی این مشکلات، عدم اهتمام، تدبیر و سرمایه گذاری برای تأمین پیش نیازهای علمی کار است. بدون تردید، مواجهه با این پدیده، پیش از هر چیز، نیازمند کارشناسان، نویسندگان، سخنرانان، اساتید و محقّقانی است که در این زمینه تخصص داشته باشند. هنوز هیچ گروه پژوهشی مستقل یا وابسته ای به منظور تمحّض گروهی از اساتید و محقّقان در این موضوع تشکیل نشده. و هیچ مرکزی برای تربیت پژوهشگران متخصص نیز سامان نیافته است.

به طور خلاصه، کاستی ها وآسیب های اجرایی در مواجهه ی مؤثّر با معنویت های نوظهور در چهار مورد زیر خلاصه می شود:

1-    ابهام در روش و این که  چگونه باید عمل کرد؛

2-    شکاف و فاصله بین مدیران و محقّقان؛

3-    فقدان ستاد سازماندهی و برنامه ریزی استراتژیک؛

4-    عدم اهتمام به تأمین کادر علمی تخصصی برای پشتیبانی برنامه های اجرایی.

**راهکارهای توسعه ی معنوی**

در برابر آسیب ها و موانع موجود، راهکارهایی برای  توسعه ی معنویت اسلامی وجود دارد که إعمال آنها برای افزایش نفوذپذیری در قبال جریان های معنویت گرای غیر اسلامی و وارداتی ضروری است. این راهکارها به سه صورت قابل اجراست. برخی از این راهکارها تنها با کار علمی و بعضی دیگر با برنامه ریزی اجرایی قابل عمل است. مواردی نیز وجود دارد که از سویی به فعالیّت های علمی و از دیگر سو به برنامه های مدیریتی و اجرایی مربوط می شود.

راهکار های پیشنهادی عبارتند از: الف-گسترش رویکرد نتیجه گرا؛ ب- تقویت رویکرد اجتماعی؛ ج- تثبیت هویت معنوی از نظر اسلام؛ د- حمایت از مؤسّسات آموزشی و پژوهشی در حوزه ی عرفان های نوپدید؛ هـ ـ اهتمام مدیران اجرایی به استفاده از کارشناسان ممحّض و پژوهشگر.

در ادامه، به توضیح هرکدام از این راهکارها می پردازیم.

**گسترش رویکرد نتیجه گروانه**

همانطورکه گفته شد، یکی از آسیب های علمی در اخلاق اسلامی کم توجهی به نتایج ملموس و پیامدهای این جهانی زندگی معنوی و اخلاقی زیستن است. با توجّه به منابع دینی و صریح آیات و روایات، می توانیم مباحث جدیدی را ذیل عناوین معنویت و موفقیت، مبانی معنوی خلاقیت، تأثیر اخلاق و معنویت در شاد زیستن و ... مطرح کنیم که به راستی در سطوحی بسیار عمیق تر و در صورتی بسیار جذّاب تر از آنچه امروزه ارایه می شود، مطالب ارزنده ای را به دست خواهد داد. تاکنون اخلاق و معنویت از منظری تکلیف گرایانه و شبیه به احکام شریعت دیده شده و ارایه گردیده است. در حالی که رویکرد پیامدگرا یا نتیجه گرا بسیار جذّاب تر، انگیزه سازتر  و برای شروع کارآمدتر است. نمونه هایی از این رویکرد را در تبیین رابطه ی معرفت خداوند با خلاقیت بررسی می کنیم.

خداوند سرچشمه ی خلاّق و نامحدود هستی است که تمام عالم، جلوه ها و نشانه های اوست. کسی که خدا را بشناسد و آیاتش را در کتاب آفرینش مطالعه کند، هر پدیده ای را بسان روزنه ای به سوی بی نهایت خواهد دید. هر ذرّه ای در نظر او گنجینه ی بی پایانی است که تا ابد برای الهام بخشی و کشف حقایق قابل بهره گیری است. روانشناسان، خلاقیّت را الهام و نوعی کشف فوق العاده دانسته اند. اندیشه ای که به اصل دانایی و خلاقیّت پیوند یابد، به جریانی سرشار و پیوسته از خلاقیّت و کشف تبدیل می شود که هیچ گاه تهی نمی گردد و پایان نمی پذیرد.

برای شخص خداشناس، هر چیز ساده ای سرشار از رازهای کشف نشدنی و امکانات و ظرفیت های قابل استفاده است. او می داند که خالقی توانا و حکیم و بخشنده ای غنی و شگفتی آفرین عالم را بنا کرده و تدبیر می کند؛ پس عجایب بسیاری را می توان در یک قطره آب، ذره ای خاک یا نسیمی در هوا مشاهده کرد. خداشناس آماده است تا از درون ساده ترین پدیده ها، شگفت انگیزترین چیزها را بیرون آورد و با عادی ترین امور، پیچیده ترین مسایل را حل کند.

خداوند نامحدود است و جلوه های او نیز بی انتهاست. از این رو، خداشناسی، یعنی سیر در این جلوه و تجلیّات بی کران. و کسی که او را بشناسد، هر روز و بلکه هر لحظه، پروردگار را باجلوه ای تازه و نمودی نو مشاهده می کند و می شناسد: **﴿كُلَّ يَوْمٍ هُوَ فِي شَأْنٍ﴾**[[22]](file:///C:\\Users\\5349\\Desktop\\%D8%AA%D8%A8%D9%84%DB%8C%D8%BA\\%D8%A7%D8%AE%D9%84%D8%A7%D9%82\\Akhlagh_13_2122_26918.htm" \l "_ftn22). با این تجارب خداشناسانه، انسان این توانایی را پیدا می کند که هر روز و حتّی هر لحظه جهان را از منظری نو ببیند و به همه چیز نگاهی نو بیندازد. عالم برای شخص خداشناس همواره تازه است. تکراری ترین امور جهان نو و دست نخورده، تازگی هایی برای کشف کردن و شناختن دارند. زیرا خلّاق هستی بخش خود را در آفرینش نموده است و عالم سراسر آیات و نشانه ها و جلوه های او و کلماتی است که او برای معرّفی نمودن خود خوانده و نوشته است و کلمات او نیز بی انتهاست: **﴿قُل لَّوْ كَانَ الْبَحْرُ مِدَادًا لِّكَلِمَاتِ رَبِّي لَنَفِدَ الْبَحْرُ قَبْلَ أَن تَنفَدَ كَلِمَاتُ رَبِّي وَلَوْ جِئْنَا بِمِثْلِهِ مَدَدًا﴾.**[[23]](file:///C:\\Users\\5349\\Desktop\\%D8%AA%D8%A8%D9%84%DB%8C%D8%BA\\%D8%A7%D8%AE%D9%84%D8%A7%D9%82\\Akhlagh_13_2122_26918.htm" \l "_ftn23)

بنابراین، با قرار گرفتن معرفت خداوند در جان و خرد، نگاه انسان به عالم عوض شده، به نگاهی غنی و تیزبین برای کشف تازه ها و خلاقیّت و نوآوری تبدیل می شود. دست یابی به این نوع بینش و نگرش، برای پرورش خلاقیّت و شکل گیری شخصیتی خلّاق، بسیار ضروری است. نگاه نوبین که در اثر خداشناسی ایجاد می شود، سرمایه ی خلّاقیت است و برخورداری از تازگی، نگرش انسان را مثل کودک معصومی که به دنبال تجربه و کشف جهان جدید بیرون رحم است، جستجوگر و جذّاب می سازد و آمادگی کشف شگفتی ها را در سطح بالایی پدید می آورد.

دل یا قلب، کانون دریافت ها و ادراکات وجود آدمی است: **﴿لَهُمْ قُلُوبٌ يَعْقِلُونَ بِهَا﴾.**[[24]](file:///C:\\Users\\5349\\Desktop\\%D8%AA%D8%A8%D9%84%DB%8C%D8%BA\\%D8%A7%D8%AE%D9%84%D8%A7%D9%82\\Akhlagh_13_2122_26918.htm" \l "_ftn24) خداوند در مناجات با حضرت موسی7، فرمود: «کُن ...جدید القلب»[[25]](file:///C:\\Users\\5349\\Desktop\\%D8%AA%D8%A8%D9%84%DB%8C%D8%BA\\%D8%A7%D8%AE%D9%84%D8%A7%D9%82\\Akhlagh_13_2122_26918.htm" \l "_ftn25)؛ «همواره نو دل باش». توصیه ی خداوند به حضرت موسی7، به این معناست که مرکز اندیشه و شناخت در وجودت را هر روز و هر لحظه نو به نو کن و آماده ی دریافت های تازه و شناخت های جدید باش. این توصیه، با توسعه ی خداشناسی در دل امکان پذیر است و نتیجه اش خلّاقیت و نوشناسی است.

سرور و شادی عمیق نیز از اخلاق و معنویت اثر می پذیرد. یقین به خداوند، یکی از شورانگیزترین و شادی سازترین آموزه های اخلاقی است. یقین به خدا، یعنی یقین به حسن و کمال مطلقی که هنوز شناخته نشده، و اطمینان به وجودی که زیبایی و لطف نامتناهی اش همیشه رازی برای فاش کردن و جلوه ای پنهان برای نمودن و دل بردن دارد. یقین به خدا، یعنی یقین به کسی که در اوج کبریای اش احدی را نمی پذیرد و با ندای «یحذرکم الله نفسه» خلق را از خود می راند، ولی عشق بی کران و سرشارش آهنگ «ان الله رئوف بالعباد» سر داده است.

یقین، انسان را در مدار این جاذبه و دافعه، به چرخش و شور و شعف وامی دارد و مثل دریایی موج خیز هیجان و شادی را در قلب برپا می کند. از این رو، «یقین شادمانی بی کران است».[[26]](file:///C:\\Users\\5349\\Desktop\\%D8%AA%D8%A8%D9%84%DB%8C%D8%BA\\%D8%A7%D8%AE%D9%84%D8%A7%D9%82\\Akhlagh_13_2122_26918.htm" \l "_ftn26)

اگر انسان، تنها با لطف و حسن و جمال انس بگیرد، از آن خسته و ملول می شود و اگر همواره جلوه های جلال و کبریایی را تجربه کند، رانده و تنها می ماند، و این هر دو، به تنهایی حزن انگیز و غم افزاست. امّا کمال مطلق هم جلال نامتناهی است و هم جمال بی پایان، هم متکبّر و قهار است و هم انیس و رئوف. هر تجلّی الهی رازی نهفته دارد و هیچ ضدّی برابر او نیست، همان طور که ندّ و نظیری برایش نخواهی یافت. جلوه های گوناگون او شوری در جان اهل یقین می افکند که تمام غم ها را مثل غباری در توفان یا خاشاکی در سیلاب از میان می برد. پس «احساسات غم انگیز با اراده ی بردباری و نیکویی یقین دور و زدوده  می شود».[[27]](file:///C:\\Users\\5349\\Desktop\\%D8%AA%D8%A8%D9%84%DB%8C%D8%BA\\%D8%A7%D8%AE%D9%84%D8%A7%D9%82\\Akhlagh_13_2122_26918.htm" \l "_ftn27) و سروری که اعماق دل را به جنبش و هیجان می آورد، اهل یقین را فراگرفته، سر مست و شادمان می سازد، یا شاید ویران می کند و از نو می سازد و می آفریند.

از سوی دیگر، یقین، به معنای پذیرش و اطمینان کامل به معنی داری جهان و زندگی است. پس هر اتّفاقی که می افتد معنادارد و هدفی را دنبال می کند. انسان، با یقین، همواره در حال تجربه ی معنایی و نزدیک شدن به هدفی است که خداوند برای او قرار داده است. برای کسی که یقین دارد، جهان و زندگی اطمینان بخش است، امّا نوعی ابهام نیز دارد؛ او می داند که نوازش و لطف و البته ناز و قهر، عالم و زندگی اش ر پر کرده است، امّا نمی داند که  لحظه ی بعد لطف و نوازش است یا کبر و ناز. البته همه ی این ها خواستنی و دل پذیر است؛ زیرا اهل یقین هم آن نوازش ها را از نور و سرور و کمال و جمال مطلق می دانند و هم نازها را و یقین دارند که در هر قهری نیز لطفی پنهان است. پس فریاد بر می آورند که:

|  |  |
| --- | --- |
| به حلاوت بخورم زهر که شاهد ساقی است | به ارادت بکشم درد که درمان هم از اوست |

   شاد کردن دیگران نیز یکی از عوامل معنوی و اخلاقی شاد زیستن از منظر اسلام است. انسان از دیدن شادی دیگران شاد می شود؛ به ویژه اگر خودش عامل آن شادمانی باشد. ممکن است شادی های خود را با گذشت زمان، بی ارزش، پوچ و ناچیز بشماریم، امّا اگر چه به بهانه ای ساده توانسته باشیم دیگران را شاد کنیم و شادمانی آنها را به تماشا بنشینیم، سروری عمیق تر، ارزشمندتر و با معنی تر را تجربه خواهیم کرد؛ به طوری که اگر در آینده این شادمانی را به یاد آوریم، ازکمند  اندوه خویش رها خواهیم شد. حتّی اگر آن را به یاد نیاوریم، اثری که در ما می گذارد چنان عمیق است که ما را در برابر ناکامی ها و غم ها نفوذ ناپذیر و مقاوم می کند. به بیان امام علی 7، «سروری در دل کسی قرار داده نمی شود، مگر این که خداوند لطفی از آن می آفریند، تا هنگامی که ناکامی بر او فرود آید، مثل آبی که در شیار روان می شود جریان یابد و آن را می راند، همان طور که شتر غریب می گریزد.»[[28]](file:///C:\\Users\\5349\\Desktop\\%D8%AA%D8%A8%D9%84%DB%8C%D8%BA\\%D8%A7%D8%AE%D9%84%D8%A7%D9%82\\Akhlagh_13_2122_26918.htm" \l "_ftn28)

ما می توانیم ژرف ترین و ماندگارترین شادمانی ها را در قلب دیگران برای خود سرمایه گذاری یا ذخیره کنیم تا در موقع لزوم به ما باز گردد. دل های مردمان کشتزار شادمانی است؛ اگر بذری درآن افکنید، مزارعی از سرور و دل خوشی حقیقی و پایدار خواهید داشت؛ زیرا دست خداوند و لطف او را در کار آورده اید و او عین برکت است: **﴿تَبَارَكَ الَّذِي بِيَدِهِ الْمُلْكُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾**.[[29]](file:///C:\\Users\\5349\\Desktop\\%D8%AA%D8%A8%D9%84%DB%8C%D8%BA\\%D8%A7%D8%AE%D9%84%D8%A7%D9%82\\Akhlagh_13_2122_26918.htm" \l "_ftn29)

معنویات در افزایش احتمال دست یابی به اهداف و موفقیت نیز نقش برجسته ای دارد. توکّل به عنوان یکی از مهم ترین اصول اخلاق اسلامی، می تواند ما را در رسیدن به موفقیت ها و اهداف عالی یاری نماید. وقتی نیروی بیکران الهی پذیرفته شود و امکان اتصال به آن و برخورداری از آثارش در قلب جاگیرد، آمادگی و شایستگی بارش حیات بخش قدرت آسمانی پدید آمده و موانع دریافت فیض بر طرف می شود. بنابراین، «کسی که متوکّل بر خداست کمک و حمایت را از دست نمی دهد»[[30]](file:///C:\\Users\\5349\\Desktop\\%D8%AA%D8%A8%D9%84%DB%8C%D8%BA\\%D8%A7%D8%AE%D9%84%D8%A7%D9%82\\Akhlagh_13_2122_26918.htm" \l "_ftn30) و همواره در قلمرو امن پشتیبانی شکست ناپذیر حضوردارد.

اگر قدرت خود را جلوه و پرتوی از قدرت نامتناهی الهی بدانیم، در حقیقت، به آن پیوسته و نیروی او در ما جاری می شود. فراموش کردن این ارتباط موجب می گردد که در محدودیت نیروی خود باقی مانده و به امور ناچیز و افراد ناتوان دیگر تکیه کنیم.

مراتب بالای توکّل به تفویض تبدیل می شود. تفاوت توکّل و تفویض این است که در توکّل فرد است که کار خود را به خداوند می سپارد، امّا در تفویض، اساساً شخص کاری را برای خود نمی داند، بلکه همه ی امور را در دست او می بیند و تمام تکیه اش به خداوند است؛ زیرا کار او، نیروی او و نتیجه ای که از این کار حاصل می شود همه از او به سوی اوست. انسان متوکّل بر سر سفره ی توفیق و فیض پروردگار نشسته است و هم از این رو، کارها در نهایت اتّفاق و استحکام پیش می رود: «کسی که کارش را به خداوند تفویض کرد، آنها را محکم کرده است.»[[31]](file:///C:\\Users\\5349\\Desktop\\%D8%AA%D8%A8%D9%84%DB%8C%D8%BA\\%D8%A7%D8%AE%D9%84%D8%A7%D9%82\\Akhlagh_13_2122_26918.htm" \l "_ftn31)

این استحکام و حمایت، به معنای رها کردن امور و به گوشه ای خزیدن و منتظر عنایت آسمانی بودن نیست، بلکه تلاشی نیرومند، عملکرد متقن و مستحکم و حمایتی را که موجب جدیت و دلگرمی و پشتکار است، به دنبال می آورد. توکّل، اعمال ضعیف وکم نتیجه را، پر قدرت و ثمر بخش می کند و انسان ناتوان را از نیروی معجزه گونه ای برخوردار می سازد.

نیروی نامحدود الهی بر همه چیز غالب است و هنگامی که انسان با ارتباط و اتصال به این سرچشمه ی قدرت، از آن برخوردار شود، بدون تردید، پیروزی و کامیابی را خواهد یافت. انسان، حتّی اگر اهداف بسیار بزرگ و خواسته های گرانسنگی داشته باشد، توکّل مطمئن ترین راه نزدیک شدن به آنهاست: «اعتماد به خدای والا مرتبه، بهای هر چیز گرانبها و نردبانی به سوی خواسته های بلند است.»[[32]](file:///C:\\Users\\5349\\Desktop\\%D8%AA%D8%A8%D9%84%DB%8C%D8%BA\\%D8%A7%D8%AE%D9%84%D8%A7%D9%82\\Akhlagh_13_2122_26918.htm" \l "_ftn32)

توکّل، در درجه ی اول، ابهاماتی را برطرف می سازد که در تصمیم گیری و راهیابی به سوی اهداف مانع ایجاد می کند.کسی که بر خداوند سبحان توکّل کند تاریکی های شبهه ها برایش روشن می شود.[[33]](file:///C:\\Users\\5349\\Desktop\\%D8%AA%D8%A8%D9%84%DB%8C%D8%BA\\%D8%A7%D8%AE%D9%84%D8%A7%D9%82\\Akhlagh_13_2122_26918.htm" \l "_ftn33)و پس از این که راه مناسب به سوی مقاصد و خواسته های خویش را شناخت و تصمیم گیری و اقدام را پشت سر گذاشت، در کشاکش تلاش و کوشش نیز موانع را درهم شکسته و راه های روشن و هموار را می گشاید و در می نوردد.کسی که بر خدا توکّل بورزد، دشواری ها در برابرش فروشکسته و ذلیل شده و اسباب توفیق به سادگی برایش فراهم می شود.[[34]](file:///C:\\Users\\5349\\Desktop\\%D8%AA%D8%A8%D9%84%DB%8C%D8%BA\\%D8%A7%D8%AE%D9%84%D8%A7%D9%82\\Akhlagh_13_2122_26918.htm" \l "_ftn34)

بنابراین، توکّل تضمینی برای موفقیت و پیروزی کسانی است که می اندیشند و عمل می کنند. برای رسیدن به کامیابی و خوشبختی، «توکّل،کافی است».[[35]](file:///C:\\Users\\5349\\Desktop\\%D8%AA%D8%A8%D9%84%DB%8C%D8%BA\\%D8%A7%D8%AE%D9%84%D8%A7%D9%82\\Akhlagh_13_2122_26918.htm" \l "_ftn35)

البته توکّل و پیوند با قدرت الهی برای کامیابی و موفقیت در دنیا اموری را به همراهی می طلبد. مثل صبر که قرآن کریم می فرماید: **﴿الَّذِينَ صَبَرُواْ وَعَلَى رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ﴾**[[36]](file:///C:\\Users\\5349\\Desktop\\%D8%AA%D8%A8%D9%84%DB%8C%D8%BA\\%D8%A7%D8%AE%D9%84%D8%A7%D9%82\\Akhlagh_13_2122_26918.htm" \l "_ftn36)کسانی که بردباری پیشه کرده و توکّل ورزیدند. در این آیه ی شریفه، صبر و توکّل مکمّل هم و در کنار یکدیگر معرّفی شده اند.

توکّل و صبر، در آمادگی یافتن برای دست یابی به نتیجه ی دلخواه نقش مؤثّری دارند. شخص متوکّل، با این که اهداف بسیار بزرگی دارد، امّا خودداری نفس را از دست نمی دهد و دچار حرص و ولع نمی شود، بلکه کاملاً آرام و مطمئن به پیش می رود و منتظر دریافت نیرو و سرانجام نتیجه ی زحمات و تلاش های خویش از سوی خداوند است.

مفهوم صبر، بردباری و تحمل طاعت و بندگی در دشواری ها و رنج هایی است که در زندگی پیش می آید. صبر، دوران کمین کردن و آرام گرفتن زندگی برای آغاز تغییر و کوشش و کامیابی است. به    فرموده ی امام علی7، «مطمئناً سیه روزی ها پایانی ندارد که ناگزیر به آن می رسند، پس وقتی که بر یکی از شما دشواری و گرفتاری حکم شود، باید آن را بپذیرید و بردباری کنید تا بگذرد. به راستی که چاره اندیشی در آن هنگام که رو ی آورده، موجب افزایش ناخوشایندی و رنج می شود.»[[37]](file:///C:\\Users\\5349\\Desktop\\%D8%AA%D8%A8%D9%84%DB%8C%D8%BA\\%D8%A7%D8%AE%D9%84%D8%A7%D9%82\\Akhlagh_13_2122_26918.htm" \l "_ftn37)

صبر، مقدمّه ی تحوّل و دگرگون کردن اوضاع است. تسلیم همیشگی برابر سختی ها و رنج ها و پذیرفتن شرایط ناگوار، به معنای عدم اقدام و کنار آمدن دایمی با وضعیت ناخوشایند است که به بی تحرکی و افسردگی و عادت به آن می انجامد. صبر، آرامش پیش از توفان است. صابر شخصی است که در انتظار فرصت برای اقدام و تمرکز نیرو برای ایجاد تغییر است.

پیامبر اکرم6 فرموده اند: «نشانه ی فرد بردبار سه چیز است. اول این که، از عمل کسل و سست نمی شود؛ دوم این که، افسرده نیست؛ سوم این که، از پروردگارش شکایت نمی کند.»[[38]](file:///C:\\Users\\5349\\Desktop\\%D8%AA%D8%A8%D9%84%DB%8C%D8%BA\\%D8%A7%D8%AE%D9%84%D8%A7%D9%82\\Akhlagh_13_2122_26918.htm" \l "_ftn38)صبور کسی است که درگرداب بلا و فاجعه افتاده و در مرحله ی آزموده شدن است. هم از این رو، بسیار عادی عمل می کند، امّا منتظر است و نیروی خود را متمرکز می نماید تا در موقع رو به افول نهادن مشکلات بر آنها بتازد.

آنچه برای صبر اهمیّت دارد دوراندیشی است که به حفظ نیرو و سر زندگی و آمادگی عملی می انجامد؛ زیرا «همراه با بردباری دور اندیشی تقویت می شود»[[39]](file:///C:\\Users\\5349\\Desktop\\%D8%AA%D8%A8%D9%84%DB%8C%D8%BA\\%D8%A7%D8%AE%D9%84%D8%A7%D9%82\\Akhlagh_13_2122_26918.htm" \l "_ftn39) براساس آن، نشاط و نیروی عملی حفظ و تقویت می گردد و کسالت و بی رمقی از شخص صبور دور می افتد. پس بردباری راه نیرومندی و جمع کردن قدرت است، و در پایان همین نشاط و نیروی حفظ شده، نتایج خوشایندی را به بار می آورد.

«کم است کسی که صبر کند مگر این که قدرت یابد»؛[[40]](file:///C:\\Users\\5349\\Desktop\\%D8%AA%D8%A8%D9%84%DB%8C%D8%BA\\%D8%A7%D8%AE%D9%84%D8%A7%D9%82\\Akhlagh_13_2122_26918.htm" \l "_ftn40) زیرا صبر مثل سدی است که جلوی جریان قدرت را می گیرد تا پس از ذخیره ی لازم آن را به کار گیرد. درست است که هم هنگام خشکسالی و هم وقتی که سدّی بنا می شود، در هر دو صورت، رودخانه تهی می گردد، امّا خشکسالی، مثل بی تابی کردن، نیرو و نشاط را تحلیل برده و به باد می دهد. امّا هنگامی که سدی بنا می شود، تمرکز و اندوختن منابع انجام می گیرد. ما در مواردی که برای رسیدن مطلوب ها و آرزوها و اهداف زندگی نیاز به تمرکز و انباشته شدن نیرو داریم، خداوند با مشکلات و دشواری ها سدی بنا می کند تا نیروی لازم را در ما جمع کند. انسان باید پیام حکیمانه ی خداوند را بفهمد و تا وقتی که به اندازه ی کافی انرژی و نشاط اندوخته نشده، بردباری پیشه سازد.

سومین علامت صبر در روایت پیامبر این بود که انسان بردبار از خدا شکایت نمی کند. البته این به معنای آن نیست که او وضعیت خود را خارج از قدرت و اراده ی او می پندارد، بلکه برای آن است که این رنج و صبر را مقدمه ی پیروزمندی و دستیابی به مطلوب خود می داند؛ زیرا نظام عالم بر این است که « پیروزی و موفقیت همراه بردباری و گشایش همراه گرفتاری است و با هر سختی آسانی است».[[41]](file:///C:\\Users\\5349\\Desktop\\%D8%AA%D8%A8%D9%84%DB%8C%D8%BA\\%D8%A7%D8%AE%D9%84%D8%A7%D9%82\\Akhlagh_13_2122_26918.htm" \l "_ftn41)

بنابراین است که هر کسی بهای آنچه را می خواهد بپردازد و بهای خوشبختی و کامیابی، تحمل سختی و بردباری است. هم از این رو، «با صبر، خواسته ها دست یافتنی می شوند».[[42]](file:///C:\\Users\\5349\\Desktop\\%D8%AA%D8%A8%D9%84%DB%8C%D8%BA\\%D8%A7%D8%AE%D9%84%D8%A7%D9%82\\Akhlagh_13_2122_26918.htm" \l "_ftn42) حضرت عیسی 7، فرمود: «انکم لا تدرکون ما تحبّون الا بصبرکم علی ما تکرهون؛»[[43]](file:///C:\\Users\\5349\\Desktop\\%D8%AA%D8%A8%D9%84%DB%8C%D8%BA\\%D8%A7%D8%AE%D9%84%D8%A7%D9%82\\Akhlagh_13_2122_26918.htm" \l "_ftn43)«مطمئناً به آنچه دوست دارید نمی رسید، مگر با صبر بر چیزی که نمی پسندید.»

هر چه صبر کامل تر باشد به حظ و بهره ی بیشتری از اهداف و آرزوها می توان رسید. کسی که بسیار بردبار است به هدف نهایی و تمام آرزوهایش می رسد.[[44]](file:///C:\\Users\\5349\\Desktop\\%D8%AA%D8%A8%D9%84%DB%8C%D8%BA\\%D8%A7%D8%AE%D9%84%D8%A7%D9%82\\Akhlagh_13_2122_26918.htm" \l "_ftn44) آنچه موجب می شود که شخص بردبار به آمال خود راه یابد، اندوختن نیرو، تمرکز قوا و آمادگی در شکار فرصت هاست. حضرت علی7، فرمودند: «الصبرُ علی مَضَضٍ یُؤَدّی إلی إصابَة الفرصةِ»؛[[45]](file:///C:\\Users\\5349\\Desktop\\%D8%AA%D8%A8%D9%84%DB%8C%D8%BA\\%D8%A7%D8%AE%D9%84%D8%A7%D9%82\\Akhlagh_13_2122_26918.htm" \l "_ftn45) «بردباری در رنج ها به شکار فرصت ها می رسد.» در حقیقت، بی تابی کردن، نقشه و برنامه ی خداوند را برای کامیابی و موفقیت انسان خراب می کند. کسی که جزع کند...کار خداوند سبحان را خراب کرده و پاداش خود را فروخته است.[[46]](file:///C:\\Users\\5349\\Desktop\\%D8%AA%D8%A8%D9%84%DB%8C%D8%BA\\%D8%A7%D8%AE%D9%84%D8%A7%D9%82\\Akhlagh_13_2122_26918.htm" \l "_ftn46)

بنابراین، شخص بردبار، با توجه به این«که با صبر، امور و الا دست یافتنی می شوند»،[[47]](file:///C:\\Users\\5349\\Desktop\\%D8%AA%D8%A8%D9%84%DB%8C%D8%BA\\%D8%A7%D8%AE%D9%84%D8%A7%D9%82\\Akhlagh_13_2122_26918.htm" \l "_ftn47) در رنج ها نه تنها از خداوند ناراضی نشده و شکایت نمی کند، بلکه به روشنی می بیند که خداوند نقشه ی خود را برای پیروزی او به اجرا گذاشته و راه رسیدن به خواسته هایش را                  فرا  روی او نهاده است. لذا همواره به خود می گوید که شیرینی پیروزی، تلخی صبر را از بین می برد.[[48]](file:///C:\\Users\\5349\\Desktop\\%D8%AA%D8%A8%D9%84%DB%8C%D8%BA\\%D8%A7%D8%AE%D9%84%D8%A7%D9%82\\Akhlagh_13_2122_26918.htm" \l "_ftn48) پس بردباری بورز تا کامیاب شوی.[[49]](file:///C:\\Users\\5349\\Desktop\\%D8%AA%D8%A8%D9%84%DB%8C%D8%BA\\%D8%A7%D8%AE%D9%84%D8%A7%D9%82\\Akhlagh_13_2122_26918.htm" \l "_ftn49) وی، همواره، این فرمایش امام علی7را در نظر دارد که: «موفقیت از بردباری کننده گرفته نمی شود؛ اگر چه زمانی به طول انجامد.»[[50]](file:///C:\\Users\\5349\\Desktop\\%D8%AA%D8%A8%D9%84%DB%8C%D8%BA\\%D8%A7%D8%AE%D9%84%D8%A7%D9%82\\Akhlagh_13_2122_26918.htm" \l "_ftn50)

پرکردن جای خالی پیامدگرایی دراخلاق اسلامی چندان مشکل نیست و با یک خیزش پژوهشی به سهولت برطرف می شود. نگاه های نو و تازه ای که می توان به اصول معنوی، نظیر توکّل، توحید، معرفت خداوند، اخلاص، عشق به خداوند، خوف از او و عشق و شفقت ورزی با انسان ها داشت، از همین رویکرد نتیجه گرایانه به دست می آید.

**تقویت رویکرد اجتماعی**

مسأله ی دیگر این است که معنویت و عرفان در فرهنگ ما به نوعی رازمگو تبدیل شده و همین موضوع سبب حبس و مانع ترویج و گسترش آن بوده است. این در حالی است که با جریان بخشیدن به معنویت آن را در درون خود پویا و بالنده می سازیم و در صورت حبس به رکود و فرسایش آن دامن می زنیم. اگر افراد معنوی و شخصیت های بارز در این وادی به راحتی از آن صحبت کنند و مردمان را نامحرم ندانند، قلب های خفته بیدار شده و رانده شدگان و گمگشتگان، راه می یابند و باز می گردند.

چرا باید بزرگانی نظیر حضرت آیة الله شاه آبادی که عرفان را بر سر منبر مسجد و بازار فریاد می زدند بی نظیر باشند؟ اگر اساتید و استوانه های عرفان رویکردی اجتماعی اتخاذ کنند، از میان  شاگردان شان هم کسانی بر می آیند که ترانه ی عرفان را در دنیا طنین اندازند و انقلاب های بزرگ معنوی و اجتماعی را بر شالوده ی عرفان و معنویت بنیان گذارند.

عرفان تا آنجا که به زبان می آید و رازی بر ملاست، شاهد بازاری است. آن افقی از عرفان و معنویت که شاهد پرده نشین است، نه به زبان می آید و نه از عرش لاهوت به آسمان ملکوت و مثال نزول اجلالی می کند. آنچه گفتنی است باید گفت و این گونه شیدایی و شعله ور شدن شیوه ی عشاق راستینی است که بی پروا پروانگی را برگزیدند و از سوختن و باختن پرهیز نکردند.کسی که شراره ای از عشق الهی بر دل و دامنش نشسته، دیگر از غم از دست دادن یافته ها هراسی ندارد و در این که فاش بگوید «منم که شهره ی شهرم به عشق ورزیدن» شایبه ی ریا پیدا نمی کند.

عرفان ما به بند کشیده شده و به جان های بلندی تبعید شده که با مهارتی ستودنی شوریدگی و دلدادگی خود را مهار می کنند و وقار خود را از دست نمی دهند. در حالی که توسعه ی عرفان اسلامی نیازمند مولوی ها و عطارهایی است که از شوریدگی پروا ندارند و وقار و سجّاده نشینی را در راه عشق می بازند و بازیچه ی کودکان کوی می شوند.[[51]](file:///C:\\Users\\5349\\Desktop\\%D8%AA%D8%A8%D9%84%DB%8C%D8%BA\\%D8%A7%D8%AE%D9%84%D8%A7%D9%82\\Akhlagh_13_2122_26918.htm" \l "_ftn51)

هرکس به اندازه ای که می داند و می یابد، مسؤول است تا دست دیگران را بگیرد. اگر انسجام میان آموزه های دینی را در نظر بگیریم، روشن می شود که امر به معروف تنها سرگردان کوچه پس کوچه های فقه و احکام شریعت نیست، بلکه پادشاه ملک معرفت است. معروف از نام های خداست و هرکس به اندازه ای که او را می یابد و می بیند و از جام تجلّی می نوشد باید به دیگران هم بنماید و بچشاند.

اگر بنای ما براین نبود که عرفان و معنویت را مستور و محبوس نگه داریم، عرفان اسلامی این طور مهجور نمی شد که حکمت های مثنوی با آمیزه ای از عشق مسیحی و سِحر کابالایی در قالب رمان و قلم نویسنده ای معلوم الحال فرهنگ ما را در نوردد و کیمیاگر دل های معنویت جو شود. اگر فطرت های مردمان را تبدیل ناپذیر و زنده می دانستیم، متون و تعالیم عرفانی زبانی چنین پیچیده و دشوار پیدا نمی کرد و ادبیات عرفانی سرشاری که قرن ها پیش، از آن برخوردار بودیم و امروز جهان به آن فخر می کند و از آن بهره می برد، از دست نمی رفت.

تثبیت هویّت معنوی از منظر اسلام

از منظر *قرآن کریم*، همه ی انسان ها سالک الی الله اند و به سوی او در حرکت و تکاپو هستند: **﴿يَا أَيُّهَا الْإِنسَانُ إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَى رَبِّكَ كَدْحًا فَمُلَاقِيهِ﴾** یعنی: «اى انسان! حقا كه تو به سوى پروردگار خود به سختى در تلاشى و او را ملاقات خواهى كرد.»کسانی که به این حرکت توجّه دارند و مراقب مقتضیات و لوازم آن هستند، بینا و شکوفا به حضور خداوند رسیده، زندگی و هستی خود را در ربط با او و سرشار از سرور و آرامش و عشق و روشنایی تجربه می کنند، امّا آنان که از این حقیقت غافل اند، سرانجامی جز کوری و تباهی و محرومیت از مشاهده ی حسن و لطف و زیبایی و شکوه احدی نخواهند داشت.

بنابراین، ضروری ترین، سهل ترین، طبیعی ترین و عمومی ترین پدیده ی انسانی، عرفان و سیر سلوک الی الله است. هر انسانی باید خود را سالک الی الله بداند و به لوازم آن که هماهنگ و متناسب با فطرت است، ملتزم شود. تحصیل این تصوّر از خویش و شکل گیری این هویت، برای همه لازم و بدیهی است. قرآن چنین دیدگاهی نسبت به انسان دارد. اگر این دیدگاه به مردم منتقل شود و آنان عرفان اسلامی را با این رخساره بشناسند، از آن رانده و رمیده نشده و به عرفان های ضعیف و حقیر پناهنده نمی شوند، بلکه تمام هستی و حیات خود را در معنویت قرآنی جستجو خواهند کرد. معنویت، از منظر *قرآن کریم*، چنان با جان وهستی آدمی آمیخته است که غفلت از آن و خدا فراموشی به خود فراموشی گره خورده و انسان با نسیان حق خود را از یاد برده و از دست می دهد.

**حمایت از مؤسّسات آموزشی وپژوهشی در حوزه ی عرفان های نو پدید**

با توجّه به کاستی هایی که در حوزه ی تعلیم وتربیت در این موضوع وجود دارد، لازم است مؤسّسات آموزشی و پژوهشی شکل بگیرد که به طور اختصاصی به این موضوعات بپردازند. از آن رو که این مؤسّسات در آغاز راه نیازمند فرصت مطالعاتی و تربیت پژوهشگر توانمند در این زمینه هستند، باید مورد حمایت های اولیّه قرارگیرند و سپس به مرحله ی خودکفایی برسند. چنین طرحی در پژوهشگاه های موجود با توجّه به اهداف و برنامه های رایج و معمول در این مجموعه ها قابل اجرا نیست.

موضوع دیگری که حمایت از این مؤسّسات مستقل و تخصصی را ضروری می سازد، گذشته از نیاز به کار ممحض و اختصاصی، ضرورت کاربردی کردن تحقیقات آنها در این زمینه است. در صورتی که پژوهشکده های نوع سوم در این موضوع شکل گیرد، هم از توانایی های مراکز علمی و آموزشی موجود استفاده خواهد شد و هم تحقیقات به طور انتزاعی و غیرکاربردی و صرفاً آکادمیک انجام نخواهد شد. پژوهشکده های نوع سوم، در متن یا کنار مراکز علمی و آموزشی شکل می گیرند و از سوی سازمان ها و مؤسّسات اجرایی و دولتی در قالب پروژه ها حمایت می شوند. این نوع پژوهشکده ها هم اکنون در حوزه ی علوم فنی مهندسی ایجاد شده اند و ضرورت دارد در حوزه ی علوم اسلامی نیز ایجاد گردند.

نهادها به مفهوم جامعه شناختی در قبال نیازهای یک جامعه پدید می آیند. وقتی در جامعه ای با معضل و نیازی نو مواجه می شویم و نهادهای مناسب با آن را تأسیس نمی کنیم، در واقع، دچار ناهوشیاری مدیریتی و کندی تدبیر هستیم. پس نتیجه ای جز مزمن شدن مشکلات فرهنگی و اجتماعی نخواهیم داشت. لازم است که هر چه زودتر  سازمان ها و نهادهای فرهنگی به فکر تأسیس یا حمایت از نهادهای خرد و متمم باشند تا بتوانند این نیاز را پوشش دهند.

**اهتمام مدیران اجرایی به استفاده از کارشناسان ممحّض و پژوهشگر**

مدیران اجرایی و مسؤولان باید باور کنند که اگر کاری با تکیه بر پشتوانه ی علمی و پژوهشی صورت گیرد، هزینه های پژوهشی آن در طول زمان مستهلک شده و در نهایت بسیار کمتر از هزینه های پراکنده بر مبنای آزمون و خطا خواهد بود. در حوزه ی مسایل فرهنگی و به ویژه در حسّاس ترین و ژرف ترین موضوعات، یعنی امور معنوی، چه بسا تأخیر یا خطا ماهیِّت و اهداف انقلاب بزرگ اسلامی را تهدید کند و پس روی جبران ناپذیری را در حیات معنوی مردم ایران رقم زند.

در صورتی که از سوی نهادهای نظارتی، نظیر مجلس، از سازمان های فرهنگی خواسته شود که برنامه های خود را در زمینه ی معنویت های نوظهور بر اساس پروژه های کارشناسی انجام دهند، و برای این کار بودجه و وقت مناسب در نظر بگیرند، در مدیران اهتمامی افزون تر برای رعایت اصل مسبوقیت اجرا بر پژوهش ایجاد خواهد شد. این مسأله هم ابهامات و تردیدهای موجود در مدیران را برطرف می سازد و هم کندی، و ارایه ی برنامه های شعاری و کلیشه ای را اصلاح می کند. بر این اساس، می توان گروندگان و علاقه مندان به فرقه های  معنویت گرایی وارداتی  را نیز در گروه مخاطب تعریف کرد، نه این که مطابق وضع موجود، برنامه ها تنها با هدف ایمن سازی دیگران از نزدیک شدن و پیوستن به این نحله ها انجام شود؛ که صد البته  تأثیر گذاری این برنامه ها نیز محل تردید است.

**مدل های معنویت گستری**

مدل ها، شیوه های معین عملی کردن راهکارهای طرح شده است.  مدل های پیشنهادی در قالب یک الگوی کلان ارایه می شود که افزون بر انسجام، دارای سهولت اجرایی باشند.

**بنیاد معنویت نوین**

بنیادی فرهنگی- پژوهشی با محوریت تعدادی از کارشناسان و پژوهشگران ممحض در این موضوع، بدون وابستگی ساختاری به سازمان های دولتی که در قالب بخش خصوصی تأسیس می شود. این بنیاد، نخست، کارهای ناتمام سازمان ملی جوانان در موضوع معنویت های نوظهور را به سرانجام رسانده و با استفاده از تحقیقات میدانی انجام شده، طرح کلان رویارویی با آنها و جایگزینی معنویت اسلامی را طراحی می نماید. این طرح پس از بررسی در شورای عالی انقلاب فرهنگی به نهادها و سازمان های فرهنگی کشور ابلاغ می شود. سازمان ها و نهادهای دولتی کشور نیز می توانند برنامه های خود را در قالب پروژه به این بنیاد سفارش دهند.

تأسیس یک مؤسّسه ی غیر دولتی و ممحض در فعالیّت پژوهشی می تواند در کیفیت تحقیقات تأثیر بسزایی داشته باشد. گذشته از این، فضای موجود نشان می دهد که نیاز به وجود مراکز غیر دولتی برای ترویج معنویت اسلامی جدّی و ضروری است. به این ترتیب، گروه های مخاطب و هدف، گستره ی بیشتری خواهند یافت و افرادی که نمی پذیرند در این امور مخاطب سازمان های دولتی باشند، امکان بیشتر برای گرایش به این مجموعه ها خواهند داشت.

بنیاد معنویت نوین، در بخش پژوهش خود، لزوماً متخصّصان گوناگونی را به کار خواهد گرفت. کارشناسان استراتژیستی که بتوانند با رویکردهای آینده نگرانه روند تحوّلات معنوی را پیش بینی کنند و ضرورت های مدیریت این تحوّلات را شناسایی نمایند، و نیز روانشناسانی که شیوه های مؤثّر ارایه ی مطالب به مخاطب را طراحی کنند و برای مخاطبان گوناگون، از لحاظ سن، جنسیّت، تحصیلات و غیره، شیوه های مناسب انتقال پیام معنوی دین را بیابند و همچنین  جامعه شناسان، متخصّصان عرفان و ادیان و اسلام شناسان از جمله متخصّصانی هستند که حضورشان در بخش پژوهش بنیاد ضروری است.

در شاخه ی فرهنگی این بنیاد، حضور گروه های حرفه ای برای استفاده از بهترین قالب های نشر، گروه های قوی اجرایی برای برگزاری مراسم معنوی به صورت های جدید و با استفاده از شیوه های هنری و مؤثّر در برنامه ها و نیز گروه ادبیات برای نگارش و ویرایش مناسب و آراسته ی تولیدات ضروری است. در شاخه ی فرهنگی، باید افراد فعّال، سخنرانان و نویسندگان و معلّمان موفقی در زمینه های معنوی شناسایی شده و دعوت به همکاری شوند.

 افرادی هستند که هم اکنون در حال فعالیّتند و می کوشند معنویت اسلامی  را ارایه دهند. این افراد شامل نویسندگان موفق معنوی و اساتید و سخنرانان معنوی و غیر روحانی و بعضاً با تحصیلات متوسط ولی مطالعات خوب هستند. که گاهی تقیّدات ظاهری شرعی آنها کمرنگ است. شاخه ی فرهنگی بنیاد باید  این افراد را در یک برنامه ی حساب شده و بدون این که حسّاسیت ها برانگیخته شود مورد حمایت قرار دهد و در قالب هم اندیشی های اختصاصی و محدود آنها را در جهت اهداف بنیاد به کار گیرد. در صورت عدم همراهی، مقاومت یا ... از فعالیّتشان ممانعت به عمل آورد.

در بین سخنرانان و نویسندگان فعّال این حوزه افرادی هستند که کاملاً با استفاده از منابع غیر اسلامی ولی با موفقیت به ترویج معنویت های نادرست پرداخته اند. این گروه نیز در قالب هم اندیشی اساتید معنوی بنیاد معنویت نوین راهنمایی می شوند. در صورتی که از پذیرش تمرکز بر معنویت اسلامی و پرهیز از ترویج معنویت های غیر اسلامی استنکاف کردند، لازم است از دور خارج شوند و از فعالیّت هایشان ممانعت شود. بدین ترتیب، حالت برزخی و سردرگمی سربازان گمنام امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در رابطه با این افراد که زیر نظر هستند، امّا اقدامی برای کنترل شان نمی شود، بر طرف شده و مغرض از غیر مغرض جدا می شود.

شرح وظایف این بنیاد به ترتیب زیر پیشنهاد می شود:[[52]](file:///C:\\Users\\5349\\Desktop\\%D8%AA%D8%A8%D9%84%DB%8C%D8%BA\\%D8%A7%D8%AE%D9%84%D8%A7%D9%82\\Akhlagh_13_2122_26918.htm" \l "_ftn52)

الف. راهکارهای توسعه پژوهش ها در حوزه ی علوم معنوی (عرفان، اخلاق، حکمت متعالیه، حکمت اشراق)

1-      در حوزه ی مدیریت پژوهش:

-    برنامه ریزی راهبردی و تعریف نظام جامع تحقیقات عرفانی و اخلاقی به منظور اولویت گذاری پروژه ها و تعریف.

-    مناسبات منطقی میان آنها.

-    شناسایی مراکز فعال در عرصه ی اندیشه ی عرفانی و اخلاقی جهت رایزنی و تعامل علمی.

- ایجاد بانک اطلاعات محقّقان عرفان و اخلاق (شناسایی و رده بندی علمی پژوهشگران عرصه ی اخلاق و تربیت) و تلاش برای جلب مشارکت هدفمند ایشان.

-  سامان دهی و هدایت پژوهش های عرفانی و اخلاقی با ایجاد ستاد هماهنگی مراکز پژوهشی در حوزه ی عرفان و اخلاق.

-  تربیت نیروی پژوهشگر در حوزه ی عرفان و اخلاق اسلامی و نقد عرفان های غیر اسلامی با برگزاری دوره های آموزشی مستمر، ویژه ی محقّقان و مؤلّفان عرفان و اخلاق.

-    تأمین کادر قوی و مجّرب مدیریت پژوهش در عرصه ی مطالعات معنوی.

-  تشکیل تیم های ویژه ی رایزنی های پژوهشی- فرهنگی جهت تعامل با مراکز آکادمیک و سازمان های دولتی متولّی امور فرهنگی سایر فرهنگ ها و کشورها جهت غنی سازی مطالعات تطبیقی.

-  حمایت از پایان نامه های دوره های کارشناسی ارشد و دکتری و پیشنهاد موضوعات خاصّ در حوزه ی دانش اخلاق و عرفان اسلامی و نقد عرفان های غیر اسلامی.

-  فراخوان مقالات در رده های مختلف علمی و تشویق جامعه ی علمی جوانان کشور به تفکّر معنوی و اخلاقی و روی آوری به  پژوهش های معنوی با رویکرد انتقادی نسبت به عرفان های کاذب.

-    برگزاری همایش و نشست های تخصّصی.

-  تعریف و تأسیس پژوهشکده ی عرفان و اخلاق اسلامی مشتمل بر گروه های پژوهشی: مسایل بنیادین نظام اخلاق و عرفان اسلامی، اخلاق هنجاری، عرفان عملی، اخلاق کاربردی، تربیت اخلاقی و فلسفه ی علم اخلاق، تاریخ ادیان، جامعه شناسی ادیان نو پدید، روانشناسی معنویت، نقد مکاتب معنوی نوظهور.

-     تأسیس مرکز آموزش تخصصی اخلاق و عرفان اسلامی در حوزه ی علمیّه.

-    برگزاری کلاس های تدریس آزاد عرفان اسلامی در آموزشگاه های خصوصی، فرهنگ سراها و... .

-    تشکیل انجمن علمی عرفان اسلامی.

-    ایجاد باشگاه اندیشه ورزی اخلاق و عرفان جهت توسعه ی  همگرایی محقّقان.

-  تأسیس اتاق فکر معنویت اسلامی به منظور طراحی سیستم بهینه سازی و توسعه ی مستمر علوم معنوی (عرفان و اخلاق و...) و نهاد معنویت.

-    راه اندازی کرسی های نظریه پردازی و نقد اندیشه های معنوی.

-     طراحی سیستم دریافت کننده و انتقال دهنده ی پرسش ها و مسایل عینی جامعه.

-   طراحی سیستم بازخورد گیرنده ی معنویت از مخاطبان و ارزیابی مستمر فعالیّت های پژوهشی و تبلیغی از نظر تأثیر گذاری و میزان کارآمدی.

-   ایجاد ستاد مشترک اجرایی متشکّل از نمایندگان حوزه ی علمیّه، دانشگاه، مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی، دبیرخانه ی مجمع تشخیص مصلحت نظام، شورای عالی انقلاب فرهنگی، امور زندان ها و مراکز بازپروری، معاونت فرهنگی و اجتماعی نیروی انتظامی، قوّه ی قضاییه، شورای فرهنگ عمومی وزارت ارشاد، واحد تربیتی آموزش و پرورش و نهادهای مشابه، به منظور برنامه ریزی، سیاست گذاری و اجرای برنامه های توسعه ی اخلاق عمومی و تقویت نهاد اخلاق.

-   ایجاد کتابخانه های تخصّصی عرفان و اخلاق اسلامی در مراکز بزرگ علمی، نظیر حوزه ی علمیّه ی قم، دانشگاه تهران و... .

-   شناسایی و ایجاد ارتباط با پژوهشکده ها، انجمن های علمی و آموزشگاه های عرفان و اخلاق در سایرکشورها جهت آشنایی با تجارب کاری و انتقال دستاوردهای ایشان و تمهید مطالعات گسترده ی تطبیقی.

2- در حوزه ی اجرای پژوهش:

 - توسعه ی مطالعات تطبیقی میان نظام عرفانی و اخلاقی اسلام، ادیان مختلف و نیز مکاتب بشری و اندیشمندان غیر مسلمان، مانند مقایسه ی عرفان و اخلاق وحیانی و عرفان و اخلاق مدرن و پست مدرن و  چالش های برخاسته از این تقابل.[[53]](file:///C:\\Users\\5349\\Desktop\\%D8%AA%D8%A8%D9%84%DB%8C%D8%BA\\%D8%A7%D8%AE%D9%84%D8%A7%D9%82\\Akhlagh_13_2122_26918.htm" \l "_ftn53)

- گسترش مطالعات تطبیقی بین المذاهب و برجسته سازی وجوه تمایز و عناصر اختصاصی مکتب معنوی اهل بیت:.

- واکاوی اندیشه ی اندیشمندان و اسلام شناسان بزرگ معاصر در حوزه ی عرفان و اخلاق.

- بازخوانی آرای منتقدان عرفان و اخلاق دینی و اسلامی از میان مستشرقان و روشنفکران.

- ترجمه ی کتاب های عرفان و اخلاق اسلامی از فارسی و عربی به زبان های زنده ی دنیا.

- ترویج مطالعات میان رشته ای در ابعاد گوناگون مباحث علوم معنوی اسلامی(عرفان، اخلاق، حکمت متعالیه و...).

- تدوین استراتژی پژوهش در حوزه ی تفکّر معنویت اسلامی.

- تعریف استانداردهای کیفی پژوهش های عرفانی و اخلاقی و ارزیابی دقیق پژوهش های گذشته و کنونی براساس آن.

- توسعه ی خدمات پژوهشی، از قبیل تدوین کتابشناسی توصیفی، مأخذشناسی موضوعی، دایرة المعارف، فرهنگ نامه، اصطلاح نامه، موسوعه های روایی[[54]](file:///C:\\Users\\5349\\Desktop\\%D8%AA%D8%A8%D9%84%DB%8C%D8%BA\\%D8%A7%D8%AE%D9%84%D8%A7%D9%82\\Akhlagh_13_2122_26918.htm" \l "_ftn54) و معاجم در حوزه ی علوم معنوی اسلام.

-  تولید دانش فلسفه ی علوم معنوی اسلامی و توسعه و تدقیق نگاه های درجه دو به ساخت این دانش ها به منظور بالندگی آنها.

-    تأسیس و انتشار نشریات تخصّصی در حوزه ی علوم معنوی اسلام.

-    راه اندازی سایت تخصصی علوم معنوی اسلامی در شبکه ی جهانی اینترنت.

-    تدوین کتب درسی در سطوح مختلف.

-    احیای نسخ ارزشمند خطی در موضوعات معنوی.

-    تحقّق و تصحیح و فهارس نگاری و نمایه زنی متون عرفانی، حکمی و اخلاق اسلامی.

-    بازنویسی و جمع آوری موضوعات میراث معنوی پراکنده ی موجود در لابه لای تفاسیر و شروح روایات.

-  پژوهش ها و تک نگاری هایی[[55]](file:///C:\\Users\\5349\\Desktop\\%D8%AA%D8%A8%D9%84%DB%8C%D8%BA\\%D8%A7%D8%AE%D9%84%D8%A7%D9%82\\Akhlagh_13_2122_26918.htm" \l "_ftn55)در زمینه ی معناشناسی مفاهیم معنوی، عرفان نظری، عرفان عملی، اخلاق هنجاری(فردی، اجتماعی، خانواده و...). تربیت اخلاقی، تربیت عرفانی(سیر و سلوک)، اخلاق کاربردی (محیط زیست، رسانه، هنر، کار، ورزش، پزشکی)، اخلاق ادیان، مکاتب اخلاق و عرفان بشری.

-   تدوین فرهنگ نامه ها و نیز اصطلاح نامه های تخصّصی عرفان نظری، عرفان عملی، اخلاق هنجاری، تربیت اخلاقی و اخلاق کاربردی.

ب. راهکارهای توسعه ی نهاد معنویت

1- برنامه های فرهنگی:

- شناسایی ابتلائات عام معنوی و اخلاقی جامعه و برنامه ریزی جهت آسیب زدایی در محورهای شناخته شده.

- الگو سازی و بازنمایی شخصیت های برجسته ی اخلاقی و معنوی و انتشار زندگی نامه ی آنها و تهیه ی فیلم زندگی ایشان.

-تولیدکتب و نشریات معنوی جذّاب، در سطح کودکان، نوجوانان و عموم مردم.

- استفاده از رسانه ی ملی(صدا و سیما) در توسعه ی معنویت د جامعه ی اسلامی با تولید و پخش برنامه هایی با مضامین معنوی و زیر نظرکارشناسان زبده و پرهیز از پخش هرگونه برنامه ای که الگوسازی منفی به دنبال دارد.

- استفاده از ابزار پرنفوذ هنر در ارتقای سطح معنوی جامعه و دعوت از هنرمندان (شاعران، خطاحان، داستان سرایان، فیلم سازان خوش نویسان) برای تولید فیلم، رمان، داستان، تابلوهای نقاشی، طرّاحی، خوشنویسی، پویانمایی(انیمیشن) و سرود، با موضوعات معنوی.

- مشارکت فعّال آموزش و پرورش از طریق بازآموزی معنوی پدران، مادران و مربیان توسط نهاد انجمن اولیا و مربیان.

- جهت دهی معنوی به اوقات فراغت جوانان با همکاری سازمان ملّی جوانان و سایر سازمان ها و نهادهای مرتبط.

- بهره گرفتن از فنون روانشناسی اجتماعی و تکنیک های تبلیغاتی برای ترویج معنویت اسلامی.

- غنی سازی برنامه های معنوی مراکز رسمی آموزش و پرورش از مهدکودک تا مراکز آموزش عالی و حوزه های علمیّه.

- بهینه سازی متون درسی اخلاق و عرفان اسلامی در دانشگاه ها.

- تدوین منشور اخلاق برای سازمان ها و نهادها و تلاش برای اجرای آن و التزام بدان.

- ایجاد مجتمع های بزرگ فرهنگی- تفریحی با جهت گیری معنوی و تربیتی برای جوانان.

- تأسیس مؤسّسات و مراکز مطالعاتی و حمایت از هسته های مطالعات معنوی.

-  بهره گیری از ظرفیت های بی نظیر مساجد، هیأت و مراسم مذهبی برای ترویج و تعمیق هرچه بیشتر هنجارهای معنویت ناب اسلامی.

برگزاری دوره ها ی تربیت مربی عرفان و اخلاق برای ائمه ی جماعات و تأکید بر جهت دهی بیش از پیش ظرفیت های محراب و منبر به سوی تربیت اخلاقی و تزکیه ی نفوس.

-    سرمایه گذاری بیشتر برای تأسیس مراکز مشاوره ی اسلامی با مدیریت کارشناسان متخصّص و متعهّد.

-    بسترسازی برای ارادت ورزی بیش از پیش مردم به اهل بیت عصمت و طهارت :و بیان شیوه ی سلوک ایشان.

-  ترویج و حمایت از نقاط قوت در فرهنگ ملّی، مثل فضایل راسخ و نهادینه شده ی عشق به خدا، عبادت، حیا، احترام به بزرگ تر، مهربانی، غیرت، مهمان نوازی و ... .

-    اجرای مسابقات کتاب خوانی، مقاله نویسی، عکاسی، شعر و ... با مضامین معنوی.

-  تهیه ی سبد فرهنگی (مشتمل بر کتاب و اسلاید و نرم افزار و کاست) با مضمون تجربه های عینی و قصه های مستند و معتبر در رابطه با مسایل معنوی و ترویج آنها در میان نوجوانان و جوانان.

-    بازآفرینی و انتشار قصه های معنوی موجود در ادبیات کهن فارسی به زبان روز.

2- ب. برنامه های اجتماعی:

- تسهیل ارتباط های چهره به چهره با شخصیت های معنوی و در معرض انظار و افکار عمومی قرار دادن رفتار آنها.

- آسیب شناسی فرهنگ عمومی در عرصه ی رفتار و باورهای معنوی.

- ترویج فرهنگ امر به معروف و نهی از منکر و نظارت عمومی، ایجاد حسّاسیت ارزشی و پرورش روحیه ی مواجهه با عوامل آسیب زای بهداشت روانی و اسباب تهدید سلامت معنوی جامعه از طریق تشکیل تیم های گسترده ی کارآمد و آموزش دیده ی امر به معروف و نهی از منکر در بین مردم، به ویژه جوانان.

- شناسایی و برنامه ریزی برای جایگزینی سرگرمی های غفلت زا.

- مقابله با سیاست گذاری های اقتصادی، فرهنگی، تبلیغی و ... که منجر به کمرنگ شدن ارزش های اخلاقی در جامعه می شود، از قبیل تبلیغ تجمل گرایی و مصرف زدگی و دامن زدن به روحیه ی تکاثر، چشم هم چشمی و... .

- توجّه بیشتر مادّی و معنوی به مراکز گروهی، مانند پادگان ها و    زندان ها و مراکز بازپروری با به کارگیری مدیران دلسوز، تأمین بودجه ی مناسب فعالیّت های فرهنگی و ایجاد ساختار کارآمد تربیتی- معنوی.

- تجلیل از شخصیت های اخلاقی و معنوی در هر مجموعه ی کاری یا صنفی و معرّفی افراد نمونه با ذکر شاخصه های برتری آنان.

- بهره گیری از مقبولیت و محبوبیت شخصیت های اخلاقی، معنوی و نقش فراوان آنها در گسترش فرهنگ معنوی.

- اطلاع رسانی مناسب به جوانان در خصوص جلوه های حیات اخلاقی و معنوی هنرمندان و ورزشکاران محبوب و متعهد.

برای شفاف تر شدن موضوع چند مورد از موارد مذکور را کمی بیشتر توضیح خواهیم داد.

**نشریات تخصّصی معنویت برای مخاطبان گوناگون**

نشریاتی که به صورت ماهانه و فصلانه منتشر می شوند، یک روند ملایم و مستمر تأثیرگذاری را دنبال می کنند. پس از مدّتی، این جریان به رسوب آموزه ها و پیدایش جهت گیری های فکری و تحوّلات رفتاری و بینشی منجر می شود.

در نشریات، با فضاها و رویکردهای گوناگون، سلایق مختلف جذب می شوند. نشریه ای در موضوع ادبیات معنوی و ادبیات کلاسیک و جدید، نشریه ای در حوزه ی تفکّر و اندیشه ی معنوی، نشریه ای در موضوع معنویت و خانواده که به روابط معنوی زن و شوهر و والدین و فرزندان در تربیت و رفتارهای عادی می پردازد و نمونه های بسیاری که می تواند معنویت را به متن زندگی بکشد، می توانند در این حوزه فعّال شوند تا شکوه زندگی معنوی را آن طور که اسلام در نظر دارد به مردم نشان داده و شیرینی آن را به کامشان بچشانند.

**همایش های تولید کننده ی انرژی معنوی جمعی**

یکی از مهم ترین برنامه های معنوی در همه ی سنّت های عرفانی و ادیان، تجمع ها وگردهم آیی هایی است که با اجرای برنامه های عملی خاصّی همراه است. افراد وقتی در جمع قرار می گیرند، انرژی و نیروی مضاعفی را تجربه می کنند که در اثرنزدیکی جسم ها، فکرها و پیوندهای عاطفی پدید می آید. برای تقویت معنویت، این اجتماعات، ضروری و برای ترویج معنویت، حضور در برنامه های جمعی بسیار مؤثّر است. در اسلام بیش از سایر سنّت ها و ادیان از این ظرفیت استفاده شده و مردم روزی چند بار کنار هم جمع می شوند و مجموعه ای از مراقبه های بسیار بزرگ را که می تواند روح انسان را سیر دهد و به اصل خود نزدیک سازد و به معراج ببرد، انجام می دهند.

گذشته از این، گردهم آیی بزرگ تر هفتگی و همایش های بسیار با شکوه سالانه در مراسم حج و نمازهای عید، حس زیبای معنوی را در مسلمانان زنده و تازه و بالانده می سازد. افزون بر این، در بین شیعیان، مناسب های ولادت و شهادت امامان فرصت های مضاعفی را برای این امر فراهم کرده است.

امروزه، مقتضیات روزگار ما تغییر کرده و این گردهم آیی ها می تواند به صورت های تازه تری برگزار شود. همچنین فنون هنری در استفاده از نور و صدا می تواند در ارایه ی جذّاب و برگزاری مؤثّرتر این گونه مراسم به کارگرفته شود. مثلاً جشن میلاد امام زمان در یک تالار بزرگ، همراه با اجرای موسیقی سنّتی و معنوی و ارایه ی یک سخنرانی بینش بخش و انگیزه ساز، می تواند اثری ماندگار و تجربه ی معنوی خاطره انگیزی به جا گذارد.

مردمی که در شهرهای ساخته شده براساس اصول شهر سازی مدرن زندگی می کنند، از فاصله با طبیعت رنج می برند و اماکن طبیعی دلکش با کمی رسیدگی و تدبیر ممکن است به محیطی برای گردهم آیی های معنوی تبدیل شوند.

**برگزاری دوره های آموزشی مراقبه های شرعی**

گنجینه ی بزرگ شریعت که هر عمل کوچکی در آن گوهری گران بها، مراقبه ای بزرگ و پلی به سوی عالم غیب  و معنا و ملکوت عالم است، با تأسف و سوگ بسیار، دست  نخورده مانده و کسانی که به آن عمل می کنند به این گنجینه دست می کشند و گوهری بر نمی دارند.

قرائت قرآن و تکرار کلمات خداوند، واژگان و معانی بلندی که از حقیقت نامتناهی نور و قدرت و عشق و زیبایی جاری شده، اگر با کمی توجّه و آمادگی انجام شود، اگر چه به اندازه ی یک سطر خوانده شود، انسان را از تاریکی ها خارج کرده و از عشق و روشنایی سرشار می سازد.

وضو از دل انگیزترین مراقبه هایی است که رحمت بی کران خداوند را در صورت آب، که مظهر رحمت و لطافت است، به حس بشر می چشاند و هستی او را در پاکی و صفا غرق می کند. همچنین سجده و سایر اجزای نماز، عشق بازی زن و مرد در نهاد خانواده که سرشار از آیات مودّت و رحمت الهی است، نگریستن به پرندگان و ستارگان و گیاهان و روز و شب و آسمان و زمین که همه و همه نشانه های قابل تفکّر خداوند است، مراقبه های تحوّل آفرینی را رقم می زند که برای بهره بری ازآنها باید برنامه های آموزشی مؤثّر و دل پذیری طراحی و ارایه گردد.

دوره های آموزشی این مراقبه ها را می توان به صورت همایش های بزرگ در مناطق زیبای طبیعی و یا تالارهای بزرگ با استفاده از نور و صوت مناسب در حین آموزش و اجرا برگزارکرد. مثلاً آموزش مراقبه ی تفکّر در آفرینش و نمودهای خلقت یا مراقبه ی عشق برای همسران، به ویژه زوج های جوان، در محیط باز طبیعی و مراقبه های نیایش، نماز و غیره در تالارهای مناسب قابل اجراست.

مباحثی نظیر معنویت و شادی، معنویت و خلاقیّت، معنویت و موفقیت و غیره نیز در قالب همایش و به طور فاخر و هنرمندانه قابل اجراست.

ترویج معنویت با ایجاد جنبش های مردمی

بنیاد معنویت نوین می تواند با انگیزه سازی و هدایت مخاطبان، خود آنها را به فعالیّت های ترویجی در حوزه ها و شاخه های خاصّ با گرایش به معنویت و در قالب NGO ها و سازمان های مردم نهاد دعوت کند و به شکل گیری حرکت های خود جوش، نظیر گروه های هنری  معنویت گرا، طرفداران معنویت گرای محیط زیست،گروه های اخلاق فن آوری اطلاعات، گروه های ورزش و معنویت، خانواده ی معنوی و غیره که می کوشند رویکرد اخلاقی و معنوی را به عرصه های مختلف زندگی تسری دهند،کمک کند.

نقش یابی و مسؤولیت پذیری در نشر معارف حق و معنویت، موجب تثبیت هویت معنوی می شود. شخصی که نقش مروّج معنوی را پیدا می کند، با جاری ساختن معنویت خویش، به شکوفایی و بالندگی و زندگی معنوی خویش کمک می نماید و خود را به عنوان یک فرد معنوی درک می کند. پذیرفتن این نقش باعث می شود شخص، مفهوم «خود» راکه روابط اجتماعی و در آیینه ی رابطه ی او با دیگران و تصوّر آنها از «من» او شکل می گیرد، بهتر و متعالی تر نماید. این نقش در تعمیق و تثبیت معنویت او اثر بی بدیلی داشته و به تحوّل معنوی شخصیت وی می انجامد.

مجموعه ی این برنامه ها می تواند در جذب مردم به معنویت ناب اسلامی و شکوفایی و کاربردی کردن آموزه های عرفانی اسلام مؤثّر باشد. برخاستن چنین موجی در جامعه باعث می شود که سایر مردم گمان کنندکه اگر حرکتی معنوی را آغاز نکنند و نگاهی معنوی نسبت به زندگی پیدا نکنند، از حقیقتی گران قدر محروم شده اند. آنان ممکن است در آغاز متوجّه ژرفای معنویت و نیازشان به آن نباشد، ولی این احساس آنها را به سوی حقیقتی راهنمایی می کند که بسیار بیش از آن که در ابتدا تصوّر می کردند، ارجمند خواهد بود. این مدلِ مردمیِ ترویجِ معنویت، بی تفاوتی ها یا احتمال در خدمت قدرت بودن معنویت را منتفی کرده و گروه هایی از مردم را که در مد های رسمی تر و دولتی به معنویات اقبال نشان نمی دهند، جذب می کند.

بدون شک، تمام لحظات ابعاد زندگی انسان، از دیدگاه اسلامی، معنوی و در راستای بندگی و دلدادگی به خداوند و عشق به اوست. پس با ایمان راسخ و هوشمندی و پشتکار و فعّال کردن افراد و گروه های مختلف با استعدادها و ذایقه های متنوع باید در کشف این حقایق کوشید.

انقلاب اسلامی یک الگوی بزرگ و سرچشمه ی جاری و زلال معنوی در جهان است. متولّیان و دلسوزان این انقلاب باید بر روی تمام ابعاد و اجزای زندگی انسان نگاهی معنوی بیندازند و این نگرش را به جهان صادر نمایند. دنیا تشنه ی معنویت است و اگر پاسخ درست و پاک و زلالی نیابد از مرداب ها و لجنزارها خواهد نوشید، و اگر نگاه معنوی اسلامی را بیابد، بی تردید، در ابعاد سیاسی و اجتماعی زندگی خود، همین منظر معنوی را خواهد گشود و آن گاه پایان ستم و استضعاف و بازگشت به آزادی و عزّت و عدالت را خواهد خواست و بدین سان زمینه ی ظهور خورشید هدایت و ولایت فراهم خواهدشد.    

1-کولمن، جان،*کمیته ی سیصد،کانون توطئه ی جهانی*، ترجمه: شمس، یحیی؛ مظاهری سیف، حمیدرضا،  «تحلیل شاخص های استکبارآمریکایی»، ماهنامه ی *روان اندیشه،* 35، آبان 83 .

1- مکاتب معنوی نوین، نظیر اکنکار، فالون دافا یا ایده های معنوی که نمونه های اسلامی و داخلی آن نظیر مکتب رام الله ارایه می دهند مبتنی بر جمع ادیان و بی اهمیّتی و اهمیّت فرعی داشتن دین هاست، تنها پیامدهای روانی نظیر آرامش و شادی است که اهمیّت دارد.

[[3]](file:///C:\\Users\\5349\\Desktop\\%D8%AA%D8%A8%D9%84%DB%8C%D8%BA\\%D8%A7%D8%AE%D9%84%D8%A7%D9%82\\Akhlagh_13_2122_26918.htm" \l "_ftnref3)- لاما، دالایی،*کتاب بیداری*. ترجمه:کیوان مهر، میترا، ص 15.

[[4]](file:///C:\\Users\\5349\\Desktop\\%D8%AA%D8%A8%D9%84%DB%8C%D8%BA\\%D8%A7%D8%AE%D9%84%D8%A7%D9%82\\Akhlagh_13_2122_26918.htm" \l "_ftnref4)- همان، ص 17.

[[5]](file:///C:\\Users\\5349\\Desktop\\%D8%AA%D8%A8%D9%84%DB%8C%D8%BA\\%D8%A7%D8%AE%D9%84%D8%A7%D9%82\\Akhlagh_13_2122_26918.htm" \l "_ftnref5)- مظاهری سیف، حمیدرضا، «نقد عرفان پست مدرن»، فصلنامه ی *کتاب نقد،* ش 35، تابستان 84.

[[6]](file:///C:\\Users\\5349\\Desktop\\%D8%AA%D8%A8%D9%84%DB%8C%D8%BA\\%D8%A7%D8%AE%D9%84%D8%A7%D9%82\\Akhlagh_13_2122_26918.htm" \l "_ftnref6)- مظاهری سیف، حمیدرضا، «فطرت محجوب و معنویت ممسوخ»، *حدیث عشق وفطرت* (مجموعه مقالات همایش آیة الله شاه آبادی).

2- مظاهری سیف، حمیدرضا، «تحلیل حیات طیّبه از دیدگاه قرآن کریم»، ماهنامه ی *معرفت*،  ش 109، دی 1385.

1- مظاهری سیف، حمیدرضا، «اهداف انقلاب و رسالت نسل سوم»، هفته نامه ی *پگاه حوزه*،  بهمن 85.

[[9]](file:///C:\\Users\\5349\\Desktop\\%D8%AA%D8%A8%D9%84%DB%8C%D8%BA\\%D8%A7%D8%AE%D9%84%D8%A7%D9%82\\Akhlagh_13_2122_26918.htm" \l "_ftnref9)- مظاهری سیف، حمیدرضا، «عرفان پست مدرن» و «دکترین مهدویت در دوران معاصر با رویکرد عرفانی»، فصلنامه ی *انتظار*، ش 17، زمستان 84 .

[[10]](file:///C:\\Users\\5349\\Desktop\\%D8%AA%D8%A8%D9%84%DB%8C%D8%BA\\%D8%A7%D8%AE%D9%84%D8%A7%D9%82\\Akhlagh_13_2122_26918.htm" \l "_ftnref10)- مظاهری سیف، حمیدرضا، «نقدی بر طبیعت گرایی عرفانی یا عرفان طبیعت گرا»، فصلنامه ی *آیین سلوک،* شماره های 5 و6 ، تابستان و پاییز 85.

[[11]](file:///C:\\Users\\5349\\Desktop\\%D8%AA%D8%A8%D9%84%DB%8C%D8%BA\\%D8%A7%D8%AE%D9%84%D8%A7%D9%82\\Akhlagh_13_2122_26918.htm" \l "_ftnref11)- مظاهری سیف، حمیدرضا، «تائوئیسم»، فصلنامه ی *آیین سلوک*، شماره های 7 و8  زمستان 85 و بهار 86.

[[12]](file:///C:\\Users\\5349\\Desktop\\%D8%AA%D8%A8%D9%84%DB%8C%D8%BA\\%D8%A7%D8%AE%D9%84%D8%A7%D9%82\\Akhlagh_13_2122_26918.htm" \l "_ftnref12)- مظاهری سیف، حمیدرضا، «عرفان بودایی»،  فصلنامه ی *آیین سلوک*، ش9، تابستان 86.

[[13]](file:///C:\\Users\\5349\\Desktop\\%D8%AA%D8%A8%D9%84%DB%8C%D8%BA\\%D8%A7%D8%AE%D9%84%D8%A7%D9%82\\Akhlagh_13_2122_26918.htm" \l "_ftnref13)- «وأنَّ الرّاحِلَ اِلیکَ قرَیبُ المَسافة» [دعای ابوحمزه ثمالی].

[[14]](file:///C:\\Users\\5349\\Desktop\\%D8%AA%D8%A8%D9%84%DB%8C%D8%BA\\%D8%A7%D8%AE%D9%84%D8%A7%D9%82\\Akhlagh_13_2122_26918.htm" \l "_ftnref14)- مظاهری سیف، حمیدرضا، «عرفان مسیحی»، فصلنامه ی *آیین سلوک*، ش10، پاییز 86.

1- مظاهری سیف، حمیدرضا، «عرفان یهودی»، فصلنامه ی *آیین سلوک*، ش10، پاییز 86.

[[16]](file:///C:\\Users\\5349\\Desktop\\%D8%AA%D8%A8%D9%84%DB%8C%D8%BA\\%D8%A7%D8%AE%D9%84%D8%A7%D9%82\\Akhlagh_13_2122_26918.htm" \l "_ftnref16)- مظاهری سیف، حمیدرضا، «از عرفان تا سیاست در آیین و اندیشه ی امام خمینی»، *مجموعه مقالات کنگره ی اندیشه های اخلاقی و عرفانی امام خمینی.*

[[17]](file:///C:\\Users\\5349\\Desktop\\%D8%AA%D8%A8%D9%84%DB%8C%D8%BA\\%D8%A7%D8%AE%D9%84%D8%A7%D9%82\\Akhlagh_13_2122_26918.htm" \l "_ftnref17)- مظاهری سیف، حمیدرضا، «طبقه بندی غایت شناختی مکاتب عرفانی در جهان»، فصلنامه ی *آیین سلوک،* شماره های 1و2، تابستان و پاییز 84.

1- مظاهری سیف، حمیدرضا، «تحریف تعالیم اخلاقی، تباهی تمدن اسلام»، فصلنامه کتاب نقد، ش40، پاییز 85.

1- مظاهری سیف، حمیدرضا، «مرگ پیامدگروی در مبانی هنجار شناختی اخلاق اسلامی»، فصلنامه ی  *کتاب نقد*، ش 44، پاییز 86.

2- مظاهری سیف، حمیدرضا، «جای خالی فقه الاخلاق»، فصلنامه ی *کتاب نقد*، ش 35، زمستان 83.

[[21]](file:///C:\\Users\\5349\\Desktop\\%D8%AA%D8%A8%D9%84%DB%8C%D8%BA\\%D8%A7%D8%AE%D9%84%D8%A7%D9%82\\Akhlagh_13_2122_26918.htm" \l "_ftnref21)- مظاهری سیف، حمیدرضا، «تحریف تعالیم اخلاقی، تباهی تمدن اسلامی»، فصلنامه ی *کتاب نقد*، ش40، پاییز 85.

1- الرحمن/29.

1-کهف/109.

[[24]](file:///C:\\Users\\5349\\Desktop\\%D8%AA%D8%A8%D9%84%DB%8C%D8%BA\\%D8%A7%D8%AE%D9%84%D8%A7%D9%82\\Akhlagh_13_2122_26918.htm" \l "_ftnref24)- حج/46.

[[25]](file:///C:\\Users\\5349\\Desktop\\%D8%AA%D8%A8%D9%84%DB%8C%D8%BA\\%D8%A7%D8%AE%D9%84%D8%A7%D9%82\\Akhlagh_13_2122_26918.htm" \l "_ftnref25)-  محمّدی ری شهری، محمّد، *میزان الحکمة*، باب تقوا، ح 22068.

1- «الیقینُ حبورٌ.» [*منتخب میزان الحکمة*، باب یقین].

1- «اطرح عنک واردات الهموم بعزائم الصبر و حسن الیقین.» [*هدایة العلم*، باب غم، ح10].

[[28]](file:///C:\\Users\\5349\\Desktop\\%D8%AA%D8%A8%D9%84%DB%8C%D8%BA\\%D8%A7%D8%AE%D9%84%D8%A7%D9%82\\Akhlagh_13_2122_26918.htm" \l "_ftnref28)- «ما اودع قلباً سروراً إلا خلق الله من ذلک السرور لطفاً فأذا نزلت به نائبةجری الیها کالماء فی انحداره حتّی یطرُدَها عنه کما تطرد الغریبة من الإبل» [*هدایة العلم*، باب سرور، ح 5].

[[29]](file:///C:\\Users\\5349\\Desktop\\%D8%AA%D8%A8%D9%84%DB%8C%D8%BA\\%D8%A7%D8%AE%D9%84%D8%A7%D9%82\\Akhlagh_13_2122_26918.htm" \l "_ftnref29)- ملک/ 1.

[[30]](file:///C:\\Users\\5349\\Desktop\\%D8%AA%D8%A8%D9%84%DB%8C%D8%BA\\%D8%A7%D8%AE%D9%84%D8%A7%D9%82\\Akhlagh_13_2122_26918.htm" \l "_ftnref30)- «من کان متوکّل علی الله لم یعدم الاعانة» [*میزان الحکمة*، ح 22252].

[[31]](file:///C:\\Users\\5349\\Desktop\\%D8%AA%D8%A8%D9%84%DB%8C%D8%BA\\%D8%A7%D8%AE%D9%84%D8%A7%D9%82\\Akhlagh_13_2122_26918.htm" \l "_ftnref31)- «من فوض امره الی الله سدده.» [تصنیف *غرر الحکم*، ح 3882].

1- «الثقة بالله تعالی ثمن لکّل غال و سلم الی کل عال.» [*میزان الحکمة*، باب توکّل، ح22562].

[[33]](file:///C:\\Users\\5349\\Desktop\\%D8%AA%D8%A8%D9%84%DB%8C%D8%BA\\%D8%A7%D8%AE%D9%84%D8%A7%D9%82\\Akhlagh_13_2122_26918.htm" \l "_ftnref33)- «من توکّل علی الله سبحانه اضاءت له الشبهات.» [همان، ح 22252].

[[34]](file:///C:\\Users\\5349\\Desktop\\%D8%AA%D8%A8%D9%84%DB%8C%D8%BA\\%D8%A7%D8%AE%D9%84%D8%A7%D9%82\\Akhlagh_13_2122_26918.htm" \l "_ftnref34)- «من توکّل علی الله ذلت له الصعاب و تسهلت علیه الاسباب.» [همان،ح 22253].

[[35]](file:///C:\\Users\\5349\\Desktop\\%D8%AA%D8%A8%D9%84%DB%8C%D8%BA\\%D8%A7%D8%AE%D9%84%D8%A7%D9%82\\Akhlagh_13_2122_26918.htm" \l "_ftnref35)- «التوکّل کفایة» [همان، ح 225272].

[[36]](file:///C:\\Users\\5349\\Desktop\\%D8%AA%D8%A8%D9%84%DB%8C%D8%BA\\%D8%A7%D8%AE%D9%84%D8%A7%D9%82\\Akhlagh_13_2122_26918.htm" \l "_ftnref36)- نحل/ 42، عنکبوت/59.

[[37]](file:///C:\\Users\\5349\\Desktop\\%D8%AA%D8%A8%D9%84%DB%8C%D8%BA\\%D8%A7%D8%AE%D9%84%D8%A7%D9%82\\Akhlagh_13_2122_26918.htm" \l "_ftnref37)- «ان للنکبات غایات لا بد ان تنتهی الیها فاذا حُکم احدکم بها و یصبر حتّی بجوز فان اعمال حیله فیها عند اقبالها زائد فی مکروهها» [*میزان الحکمة*، باب صبر، ح 10123].

[[38]](file:///C:\\Users\\5349\\Desktop\\%D8%AA%D8%A8%D9%84%DB%8C%D8%BA\\%D8%A7%D8%AE%D9%84%D8%A7%D9%82\\Akhlagh_13_2122_26918.htm" \l "_ftnref38)- «علامة الصابر فی الثلاث: اولها ان لا یکسل و الثانیة ان لا بضجر و الثالثة ان لا یشکو من ربه تعالی» [*میزان الحکمة*، باب صبر، ح 10108].

[[39]](file:///C:\\Users\\5349\\Desktop\\%D8%AA%D8%A8%D9%84%DB%8C%D8%BA\\%D8%A7%D8%AE%D9%84%D8%A7%D9%82\\Akhlagh_13_2122_26918.htm" \l "_ftnref39)- «مع الصبر یقوی الحزم.» [*تصنیف غررالحکم*، ح 6356].

[[40]](file:///C:\\Users\\5349\\Desktop\\%D8%AA%D8%A8%D9%84%DB%8C%D8%BA\\%D8%A7%D8%AE%D9%84%D8%A7%D9%82\\Akhlagh_13_2122_26918.htm" \l "_ftnref40)- «قل من صبر الاقدر.» [همان، ح 6367].

[[41]](file:///C:\\Users\\5349\\Desktop\\%D8%AA%D8%A8%D9%84%DB%8C%D8%BA\\%D8%A7%D8%AE%D9%84%D8%A7%D9%82\\Akhlagh_13_2122_26918.htm" \l "_ftnref41)- «ان النصر مع الصبر و الفرج مع الکرب و ان مع العسر یسرا.» [ میزان *الحکمة*، باب صبر، ح 10068].

[[42]](file:///C:\\Users\\5349\\Desktop\\%D8%AA%D8%A8%D9%84%DB%8C%D8%BA\\%D8%A7%D8%AE%D9%84%D8%A7%D9%82\\Akhlagh_13_2122_26918.htm" \l "_ftnref42)- «بالصبر تدرک الرغائب.»[همان، ح 10058].

[[43]](file:///C:\\Users\\5349\\Desktop\\%D8%AA%D8%A8%D9%84%DB%8C%D8%BA\\%D8%A7%D8%AE%D9%84%D8%A7%D9%82\\Akhlagh_13_2122_26918.htm" \l "_ftnref43)-  *میزان الحکمة*، باب صبر، ح 10021.

[[44]](file:///C:\\Users\\5349\\Desktop\\%D8%AA%D8%A8%D9%84%DB%8C%D8%BA\\%D8%A7%D8%AE%D9%84%D8%A7%D9%82\\Akhlagh_13_2122_26918.htm" \l "_ftnref44)- «یؤول امر اصبور الی درک غایته و بلوغ امله» [*تصنیف غررالحکم*، ح 6333].

2- *میزان الحکمة*، باب صبر، ح 10033.

3- «من جزع... و امر الله سبحانه اوضاع و ثوابه باع.» [*میزان الحکمة*، باب جزع، ح 2328].

4-«بالصبر تدرک معالی الامور.» [همان، باب صبر، ح 10059].

5- «حلاوة النجح مرارة الصبر.» [همان، ح 10075].

1- «فالصبر و اتظفروا.» [همان، ح 10071].

2- «لایعدم الصبور الظفر و ان طال به الزمان.» [همان، ح 10070].

[[51]](file:///C:\\Users\\5349\\Desktop\\%D8%AA%D8%A8%D9%84%DB%8C%D8%BA\\%D8%A7%D8%AE%D9%84%D8%A7%D9%82\\Akhlagh_13_2122_26918.htm" \l "_ftnref51)- مولوی: سجاده نشین با وقاری بودم بازیچه ی کودکان کویم کردی

1- این فهرست با اقتباس و تصرف از «سند توسعه ی علم اخلاق» تهیه شده است. این سند حاصل مطالعات و مباحث کار گروه اخلاق پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی بوده و به سفارش دفتر جنبش نرم افزاری دفتر تبلیغات حوزه ی علمیّه ی قم تهیه شده است.

1- این چالش ها بر دو قسم است: یا به شکل کلّی با اصل اخلاق هنجاری سنّتی مستند به وحی به مقابله برمی خیزند، مانند برخورد نیچه وکامو با کلیّت اخلاق مسیحی، و  با با بخشی از سرشاخه ها و آموزه های آن درگیر می شوند، مانند آرای فروید و راسل در اخلاق جنسی.

1- از جمله، تدوین جامع روایی اخلاق، مانند «وسایل الشیعه» در فقه، شبیه موسوعه ی روایی «نضرة النعیم» در میان آثار اخلاقی معاصر اهل سنّت.

2- این تک نگاری ها می تواند به صورت کتاب، پایان نامه و...تدوین گردد و مستّقلاً یا در قالب کتاب، مقاله و یا در اینترنت منتشر شود.

پرتال نشریات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم